

نگاهی تطبیقی به آراء اطلاع‌شناختی لوجیانو فلوریدی و رافائل کاپورو

محمد خندان

دانشجوی دکتری علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه تهران؛ khandan@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۸۷/۱۱/۲۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۸۸/۲/۱۵

چکیده: اطلاع‌شناسی، ناظر به پرسش از ماهیت اطلاعات است. لوجیانو فلوریدی و رافائل کاپورو از جمله فلاسفه‌ای‌اند که به این پرسش اهتمام داشته‌اند. فلوریدی پاسخ به این پرسش را در قالب فلسفه‌ی اطلاعات پی می‌گیرد. فلوریدی اطلاعات را داده‌های دارای نظم معنی‌دارِ صادق می‌داند. در نظر او، ما داده‌ی نابِ فی‌نفسه نداریم و لذا اطلاعات همواره وابسته به یک سطح انتزاع خاص است. در مقابل، کاپورو می‌کوشد در چارچوب هرمنوتیکِ اگزیستانسیال‌هایدگر به پرسش از چیستی اطلاعات پاسخ دهد. در نظر او، اطلاع وجهی از اگزیستانس دازاین است که به وجود-در-عالم-با-دیگران راجع است. لذاست که کاپورو بر جنبه‌ی هرمنوتیکی-بلاغی دانش اطلاع‌رسانی یا انجلیتیک تأکید می‌کند. ایده‌ی اساسی مشترک در آراء فلوریدی و کاپورو این است که اطلاعات همواره دارای تعهدات و جهت‌گیری‌های انتولوژیک و مشروط به یک افق معانی خاص است. بر این اساس دلالت‌های آراء فلوریدی و کاپورو در کتابداری و اطلاع‌رسانی مورد بحث قرار می‌گیرد.

کلیدواژه‌ها: اطلاع‌شناسی، فلسفه‌ی اطلاعات، انجلیتیک، هرمنوتیک، سطح انتزاع، پیش‌فهم، اطلاعات معنایی، اکولوژی اطلاعات، تبارشناسی اطلاعات، گشتل اطلاعاتی.

پاسخ به این پرسش که «اطلاعات چیست؟»، سهل و ممتنع است. از یک سو کسانی که از اطلاعات پرسش می‌کنند پیشاپیش فهمی اجمالی و ادراکی بسیط از آن دارند، چه اگر چنین فهمی وجود نمی‌داشت، پرسش از اطلاعات نیز منتفی می‌بود^۱. اما از سوی دیگر وقتی دقیق‌تر می‌شویم و می‌خواهیم از اجمال به تفصیل سیر کنیم و ماهیت اطلاعات را به وضوح آوریم و مفصلاً آن را شرح کنیم تفرقه و تشتت سر بر می‌آورد. از همین جاست که شاهد تعاریف متعدد از مفهوم اطلاعات هستیم. برآورد شده که چند صد تعریف از واژه‌ی اطلاعات وجود دارد (میدوز، ۱۳۸۳) و این منعکس‌کننده‌ی این واقعیت است که اطلاعات مفهومی پیچیده است که افراد مختلف به طرق گوناگون آن را استعمال می‌کنند. همین امر خود لزوم پرسش از چیستی اطلاعات را که تحت عنوان اطلاع‌شناسی^۲ از آن یاد می‌شود، ضروری می‌سازد.

تا آنجا که من بازجسته‌ام، اصطلاح اطلاع‌شناسی در زبان فارسی برای اولین بار توسط مرحوم جلال مساوات و در سال ۱۳۶۳ به کار رفته است. مساوات در سال‌های ۶۲ و ۶۳ سلسله مقالاتی را با عنوان «مفهوم اطلاع» در مجله‌ی «اطلاع‌رسانی» (نشریه فنی مرکز اسناد و مدارک علمی) به چاپ رساند که در آن‌ها به بررسی معنی و مدلول کلمه‌ی اطلاعات پرداخته شده بود. در مقاله‌ی سوم (آخرین مقاله از آن سلسله مقالات)، وی اصطلاح اطلاع‌شناسی را در ترجمه‌ی *informatiologic* به کار برده است^۳.

۱. جهل مطلق نسبت به موضوع تحقیق محال است. هیچ محققى نیست که نسبت به آنچه که تحقیق می‌کند پیشاپیش فهمی مجملی نداشته باشد، چه اگر این فهم مجمل پیشینی وجود نمی‌داشت، پرسشی نیز به میان نمی‌آمد. ما همواره با فهمی پیشینی به سراغ تحقیق می‌رویم. این اصل از دستاوردهای مهم هرمنوتیک فلسفی است که تمامی ادعاهای پوزیتیویستی مبنی بر امکان مشاهده‌ی ناب و استعلا از پشداوری‌ها و دست یافتن به موضع بی‌طرفانه در علم و جدایی علم از ارزش‌های اجتماعی، فرهنگی و ایدئولوژیک را به باد فنا می‌دهد.

2. Informatology/informology

۳. البته گمان می‌کنم در اینجا اشتباهی چاپی رخ داده باشد. مرحوم مساوات در آلمان به تحصیل در مقطع دکتری فلسفه اشتغال داشت و چون با زبان آلمانی بیشتر مأنوس بود، اغلب از معادل‌های آلمانی استفاده می‌کرد و به ظن قوی اصطلاح *اطلاع‌شناسی* را نیز در ترجمه‌ی واژه‌ی آلمانی *informatiologic* به کار برده است نه *informatiologic*.

در زبان انگلیسی نیز جعل و وضع اصطلاح *informatology* را می‌توان تا سال ۱۹۷۰ پیگیری کرد. در فوریه‌ی ۱۹۷۰ مقاله‌ای توسط کلاوس اوتن^۱ و آنتونی دبونز^۲ انتشار یافت که به معرفی حوزه‌ی مطالعاتی جدیدی به نام *informatology* اختصاص داشت^۳. در نظر اوتن و دبونز *informatology* حوزه‌ی مطالعاتی‌ای است که به بحث از ماهیت اطلاعات و دینامیک‌های آن می‌پردازد.

موضوع اطلاع‌شناسی، اطلاعات است. اوتن و دبونز اطلاع‌شناسی را تحقیق درباره‌ی ماهیت اطلاعات می‌دانند. حرّی نیز شناخت اطلاعات و تعیین چارچوب و تشخیص ابعاد و وجوه آن را موضوع اطلاع‌شناسی می‌داند (حرّی، ۱۳۷۸، ص ۱۸). حال سؤالی که در اینجا پیش می‌آید این است که اگر موضوع اطلاع‌شناسی پرسش از ماهیت اطلاعات است، این پرسش در چه سطح معرفتی‌ای باید طرح شود؟

حرّی اطلاع‌شناسی را زیرمجموعه‌ی علم اطلاع‌رسانی^۴ دانسته است که عهده‌دار مسائلی همچون اندازه‌گیری اطلاعات^۵، جریان اطلاعات^۶ و نظریه‌های اطلاعات^۷ است و با حوزه‌هایی مانند داده‌شناسی^۸ و معرفت (دانش)‌شناسی^۹ همبستگی دارد (حرّی، ۱۳۷۸). اما برای اوتن و دبونز، اطلاع‌شناسی یک فراعلم^{۱۰} محسوب می‌شود که زبانی مشترک برای فهم نظریه‌های اطلاعات در حوزه‌های علمی گوناگون که هر یک از زاویه‌ای خاص به اطلاعات نگریسته‌اند، فراهم می‌کند؛

-
1. Klaus Otten
 2. Anthony Debons

۳. مشخصات این مقاله به قرار زیر است:

Klaus Otten; Anthony Debons, "Towards a Metascience of Information: Informatology", *Journal of the American Society for Information Science*, (February 1970), pp 89-94.

برای ترجمه‌ای فارسی و البته نسبتاً مغلوط از مقاله‌ی مزبور، بنگرید به:

کلوز اوتن؛ آنتونی دبونز، «اطلاع‌شناسی؛ علمی ماوراء اطلاع‌رسانی»، ترجمه اسدالله آزاد، پیام کتابخانه، ۱ و ۲ (بهار و تابستان ۱۳۷۴)، ص ۱۴-۲۲.

4. information science
5. information measurment
6. information flow
7. information theories
8. datalogy
9. epistemology
10. meta-science

حوزه‌هایی از قبیل ریاضیات، علوم کامپیوتر، علوم مهندسی، علوم کتابداری، روان‌شناسی و زبان‌شناسی (اوتن و دبونز، ۱۳۷۴).

لیکن نظر مختار من خلاف این دو است. اطلاع‌شناسی نمی‌تواند زیرمجموعه‌ی علم اطلاع‌رسانی باشد، زیرا هیچ علمی بما هو علم، از مبادی خود پرسش نمی‌کند. اطلاعات و دینامیک‌های آن موضوع علم اطلاع‌رسانی است. حدود تصویری موضوع یک علم، یعنی ارائه‌ی تعریف از آن و بیان حد و رسم آن، در زمره‌ی مبادی تصویری آن علم است. پس بحث از ماهیت اطلاعات که معطوف به بیان حد و رسم اطلاعات است، در واقع بحث از مبادی تصویری علم اطلاع‌رسانی است و لذا بیرون از قلمرو آن قرار می‌گیرد. بحث از مبادی و اصول موضوعه‌ی علوم، در قلمرو فلسفه است و لذا اطلاع‌شناسی ماهواً فلسفی است. اطلاع‌شناسی بخشی از مباحث فلسفه‌ی اطلاعات^۱ را تشکیل می‌دهد.

از سوی دیگر، نظر اوتن و دبونز که اطلاع‌شناسی را یک فراعلم دانسته‌اند، محل اشکال است. فراعلم دارای خصلت فرانظریه‌ای^۲ است، یعنی با پدیدارهای مرتبه‌ی دوم^۳ سر و کار دارد، نه پدیدارهای مرتبه‌ی اول^۴. اگر اطلاع‌شناسی را یک فراعلم بدانیم، متعلق شناسایی آن را نه اطلاعات (پدیدار مرتبه‌ی اول)، بلکه نظریه‌های مربوط به اطلاعات (پدیدار مرتبه‌ی دوم) لحاظ کرده‌ایم و واضح است که در این صورت، ما دیگر با تعریف اطلاعات و بیان حد و رسم آن و کنکاش در باب ماهیت آن سر و کار نخواهیم داشت، بلکه صرفاً به طرح و بررسی و نقد نظریه‌های ارائه شده از اطلاعات در حوزه‌های تخصصی و جدا از هم علوم بسنده خواهیم کرد، حال آنکه اوتن و دبونز، خود اطلاع‌شناسی را کنکاش درباره‌ی ماهیت اطلاعات دانسته‌اند و لذا به نظر می‌رسد در آرائشان نوعی اضطراب دیده می‌شود.

بنا به آنچه گذشت، من اطلاع‌شناسی را نه زیرمجموعه‌ای از علم اطلاع‌رسانی به حساب می‌آورم و نه آن را یک فراعلم می‌دانم. اطلاع‌شناسی چیزی جز زیرمجموعه‌ای از فلسفه‌ی اطلاعات نمی‌تواند باشد، یعنی اطلاع‌شناسی حوزه‌ای از بحث و نظر فلسفی است که پرسش

-
1. philosophy of information
 2. metatheoretically
 3. second order
 4. first order

«ما»ی حقیقیه [= $\tau\acute{\iota}\ \acute{\epsilon}\sigma\tau\iota$ = تیِ اِستی]، که پرسش کلاسیک فلسفه است را در ارتباط با اطلاعات طرح می‌کند. نسبت فلسفه‌ی اطلاعات و اطلاع‌شناسی، نسبت عموم و خصوص مطلق است. لوچیانو فلوریدی^۱ و رافائل کاپورو^۲ دو تن از مهمترین فلاسفه‌ای هستند که متعرض اطلاع‌شناسی شده‌اند. ایشان در مباحث مربوط به فلسفه‌ی اطلاعات در حوزه‌های مشابهی وارد شده‌اند که از آن میان می‌توان به اطلاع‌شناسی و اخلاق اطلاع‌رسانی اشاره کرد. این حوزه‌های مطالعاتی مشابه، زمینه‌ی بررسی تطبیقی آراء آن‌ها را فراهم می‌کند.

از سوی دیگر، آراء اطلاع‌شناختی فلوریدی و کاپورو در حوزه‌ی کتابداری و اطلاع‌رسانی جا باز کرده و متخصصان این حوزه به آن، به مثابه چارچوب و مبنایی نظری، اقبال کرده‌اند. فی‌المثل، آراء کاپورو در تحلیل هرمنوتیکی مسائل علم اطلاع‌رسانی مورد توجه خاص قرار گرفته، و او را به عنوان مرجعی برای مباحث هرمنوتیکی این حوزه دانسته‌اند (یورلند، ۱۳۸۱). آراء فلوریدی نیز جای خود را در بین کتابداران و اطلاع‌رسانان باز کرده است. فی‌المثل، شماره‌ی زمستان ۲۰۰۴ مجله‌ی «گرایش‌های کتابداری»^۳، که به فلسفه‌ی اطلاعات اختصاص داشت، متأثر از آراء فلوریدی است و خود او نیز مقاله‌ای در این ویژه‌نامه به چاپ رسانده است. پس اگر بنا را بر این بگذاریم که آراء اطلاع‌شناختی فلوریدی و کاپورو، در حوزه‌ی کتابداری و اطلاع‌رسانی مورد اقبال برخی کسان قرار گرفته است، لازم می‌آید تا با بررسی آن‌ها، ابعادشان کاویده شود و مناسبت‌شان با کتابداری و اطلاع‌رسانی، به بحث گذاشته گردد. هدف این مقاله نیز همین است.

مبادی آراء فلوریدی و کاپورو

بررسی تطبیقی آراء دو متفکر صرفِ فهرست کردن شباهت‌ها و تفاوت‌ها در آراء آن‌ها نیست، بلکه شباهت‌ها و تفاوت‌ها را باید به مبادی فکری دو متفکر بازگرداند. هر متفکری بر اساس مبادی و اصول موضوعه‌ی خاصی به بیان آراء خود می‌پردازد و اگر به این مبادی توجه نشود، برقراری دیالوگ بین دو متفکر ممکن نمی‌شود. ما در بررسی آراء لوچیانو فلوریدی و رافائل کاپورو با شباهت‌ها و تفاوت‌هایی مواجه می‌شویم، اما باید متذکر باشیم که این شباهت‌ها و

-
1. Lociano Floridi
 2. Rafael Capurro
 3. Library Trends

تفاوت‌ها تنها در میانه‌ی راه پیش آمده‌اند و مبدأ و مقصد تفکر فلوریدی و کاپورو با هم متفاوت است.

با توجه به سابقه‌ی تحصیلی و تحقیقاتی این دو، درمی‌یابیم که فلوریدی در حوزه‌ی فلسفه‌ی تحلیلی^۱ که جریان غالب فلسفی در دنیای انگلوساکسون است پرورش یافته است، اما کاپورو متعلق به حوزه‌ی پدیدارشناسی^۲ و فلسفه‌ی اگزیستانس (تقرر ظهوری) است که از جریان‌های غالب فلسفی در فلسفه‌ی قاره‌ای^۳ قرن بیستم بوده است. بر همین اساس، علائق معرفت‌شناختی^۴ و منطقی در آثار فلوریدی غلبه دارد که او را به طرح مسائل انتزاعی^۵ معرفت‌شناختی - منطقی سوق می‌دهد، در حالی که علائق وجودشناختی^۶ در آثار کاپورو غالب است که او را به طرح مسائل انضمامی^۷ تاریخی - فرهنگی سوق می‌دهد.

اگر بخواهیم پارادایم‌های اطلاع‌شناسی مدرن را که ریشه در سوپژکتیویته^۸ ی دکارتی دارند به طور کلی برشماریم، می‌توانیم سه پارادایم را تشخیص دهیم: پارادایم ریاضی - طبیعی^۹؛ پارادایم معنایی^{۱۰} و پارادایم شناختی^{۱۱}. در پارادایم ریاضی - طبیعی، اطلاعات فارغ از ابعاد معنایی و صرفاً در ساحت ماده و طبیعت مورد بحث قرار می‌گیرد. نظریه‌ی کلود ای. شانون^{۱۲}، نظریه‌ی سبیرنتیک، اطلاعات ژنتیک و نظریه‌ی کوانتومی اطلاعات در ذیل این پارادایم معنی می‌یابند. در پارادایم معنایی، اطلاعات به نحو عینی در ساحت زبان (به گونه‌ای مستقل از فاعل شناسا) و مستقل از عالم ماده و طبیعت مورد بحث قرار می‌گیرد و مناسبات روان‌شناسانه حذف می‌شود. نظریه‌ی معنایی یهوشوعا بار - هیلل^{۱۳} و رودلف کارنپ^{۱۴} نمونه‌ی بارز در این پارادایم است. در پارادایم

-
1. analytic philosophy
 2. phenomenology
 3. continental philosophy
 4. epistemology
 5. abstract
 6. ontology
 7. concrete
 8. subjectivity
 9. mathematical-natural paradigm
 10. semantic paradigm
 11. cognitive paradigm
 12. Claude E. Shannon
 13. Yehoshua Bar-Hillel
 14. Rudolf Carnap

شناختی، اطلاعات نه در ساحت ماده و نه در ساحت زبان، بلکه در ساحت ذهنیت و نقشی که در جرح و تعدیل ساختارهای ذهنی بشر دارد، مورد بحث قرار می‌گیرد. نظریات نیکولاس بلکین^۱، برتران بروکس^۲ و پیتر اینگورسن^۳ در ذیل پارادایم شناختی مطرح می‌شوند (خندان، ۱۳۸۶).

با استفاده از این تقسیم‌بندی می‌توان گفت که آراء اطلاع‌شناختی فلوریدی در امتداد نگاه معنایی به اطلاعات است، حال آنکه آراء کاپورو در هیچ یک از دسته‌بندی‌های فوق جای نمی‌گیرد. بدین ترتیب می‌توان گفت که نگاه معنایی فلوریدی به اطلاعات، نگاهی عینی است که در چارچوب سوژکتیویته‌ی دکارتی طرح شده است، اما کاپورو با طرح نگاه هرمنوتیکی-اگزیستانسیال سعی دارد از ثنویت^۴ سوژه-ابژه فراتر رود. تمامی شباهت‌ها و تفاوت‌ها در آراء فکری این دو را باید با توجه به این امر فهم کرد.

فلوریدی و کاپورو هر دو تأکید دارند که نگاه ریاضی-طبیعی به اطلاعات از تحلیل اطلاعات معنایی^۵ (به تعبیر فلوریدی) و اگزیستانسیال (به تعبیر کاپورو) عاجز است و لذا باید به نظریه‌های فلسفی‌ای پرداخت که بتوانند اطلاعات معنایی و اطلاعات در ساحت انسانی را مورد تحلیل قرار بدهند. فلسفه‌ی اطلاعات در نزد فلوریدی و انجلتیک^۶ (پیام‌شناسی) در نزد کاپورو پاسخی است به این نیاز. اما پذیرش اصل ثنویت سوژه-ابژه، فلوریدی را بر آن می‌دارد که پروژه‌ی فلسفه‌ی اطلاعات را در ادامه‌ی سنت فلسفه‌ی هوش مصنوعی^۷، فلسفه‌ی عملیات کامپیوتری^۸، علوم شناختی^۹، معرفت‌شناسی و منطق طرح کند. حتی او تحت عنوان میراث نظریه‌ی شانون برای نظریه‌های فلسفی اطلاعات، کوشیده است تا مقیاس‌هایی کمی برای سنجش میزان اطلاع‌بخشی گزاره‌ها ارائه کند (فلوریدی، ۲۰۰۳a؛ ۲۰۰۵b). اما کاپورو به هرمنوتیک روی می‌آورد تا از این ثنویت دکارتی فراتر برود (کاپورو، ۱۹۹۲a؛ ۱۹۹۲b؛ ۲۰۰۰).

-
1. Nicholas Belkin
 2. Bertram Brooks
 3. Peter Ingwersen
 4. dichotomy
 5. semantic information
 6. angeletics
 7. artificial intelligence(AI)
 8. philosophy of computation
 9. cognitive science

فلوریدی فلسفه‌ی اطلاعات را یک فلسفه‌ی ساخت‌انگاران^۱ خوانده است، چراکه در آن، ذهن انسان شأنی مُبدع^۲ دارد که فقط به تحلیل واقعیت بسنده نمی‌کند، بلکه خود واقعیت را مدل‌سازی و متحقق می‌کند. انسانی که متولی فلسفه‌ی اطلاعات است، صورتی از **دمی اورگوس**^۳ است (فلوریدی، ۲۰۰۳b). انسانِ دمی اورگوسیِ فلوریدی، که در عصر مدرن با غیاب خدا مواجه شده است، خود باید بار معنی‌دهی به هستی را به دوش بکشد. دمی اورگوسِ افلاطون خدای قادرِ مطلق که جهان را از عدم خلق می‌کند [= creatio ex nihilo] نیست، بلکه خدایی است که با تأسی از صور معقول، واقعیت را صورت می‌دهد. در فلسفه‌ی اطلاعاتِ فلوریدی، این خصائص به انسان اختصاص داده می‌شود. انسانِ دمی اورگوسیِ فلوریدی عبارت است از انسانِ مُبدع و صانعی که قدرت‌های وجودی^۴ گسترده و البته متناهی او می‌تواند (به صورت کنترل، ایجاد، مدل‌سازی، طراحی، شکل‌دهی و ...) در مورد خودش (مثلاً از حیث اخلاق، ژنتیک، فیزیولوژی، نورولوژی)، در مورد جامعه (مثلاً از حیث قانون، فرهنگ، سیاست، اقتصاد، دین) و در مورد محیط‌های طبیعی و مصنوعی (مثلاً از حیث فیزیکی و اطلاعاتی) برای استفاده‌ی بشریت، اعمال شود. این انسانِ دمی اورگوسی محیط خود را می‌سازد و از آن مراقبت می‌کند. اما کاپورو در طرح انجلیتیک، در پی آن است که انسان را از این توهم دمی اورگوسی برهاند.

در نظر کاپورو، انجلیتیک نامی است برای حوزه‌ی جدیدی از تحقیقات علمی که **إنباء** (عرضه‌ی معنی^۵)، اطلاع (انتخاب از بین امکان‌های متعدد پیام) و فهم^۶ که ساحات سه‌گانه‌ی ارتباطات در اجتماعات بشری‌اند را مورد بررسی قرار می‌دهد. کلمه‌ی **angeletics** از کلمه‌ی

1. Constructionist philosophy

2. poetic

۳. $\delta\eta\mu\iota\upsilon\omicron\rho\gamma\acute{o}\varsigma$ = دمی اورگوس: مرکب از $\delta\eta\mu\omicron\varsigma$ [= دمیوس] و $\epsilon\rho\gamma\omicron\varsigma$ [= ارگوس]. افلاطون این واژه را برای دلالت به خدای صانع به کار برد. او در محاوره‌ی «تیمائوس» به تبیین نحوه‌ی خلق جهان محسوس توسط دمی اورگوس می‌پردازد. فلوریدی دمی اورگوس را انسانی می‌داند که مسؤولیتش در کشتن خدا را به عهده گرفته و اکنون در غیاب خدا وظیفه‌ی معنی‌دهی به هستی را بر دوش می‌کشد. فلسفه‌ی اطلاعات آخرین مرحله از این معنی‌دهی است که بشر دمی اورگوسی عهده‌دار آن شده است. شاید بتوان انسان دمی اورگوسیِ فلوریدی را با **Übermensch** [نیچه که بی‌ارزش شدن همه‌ی ارزش‌ها را دریافته و خود، وظیفه‌ی ارزش‌گذاری مجدد و معنی‌دهی به هستی را عهده‌دار می‌شود، قیاس کرد.

4. ontic powers

5. Mitteilung

6. Verstehen

یونانی αγγελία [= انگلیا] می‌آید که به معنی اعلان و اِنباء است. کلمه‌ی angel به معنی مَلک (فرشته) که به پیام‌رسانان الهی اطلاق می‌شود نیز از همین ریشه اخذ شده است. علم الملائکه^۱ (فرشته‌شناسی) نوعی انجلیتیک متناسب با عالم سنتی بوده است که در ضمن مباحث تئولوژی^۲ بدان پرداخته می‌شد. انجلیتیک یک علم پارادایمی در عصر اطلاعات است که به معنی خاص به علوم انسانی و اجتماعی تعلق دارد و شدیداً به مباحث مربوط به فن بلاغت^۳ وابسته است. هدف انجلیتیک بررسی تولید، توزیع، تفسیر و کنترل پیام‌ها در مرتبه‌ی انسانی است (کاپورو، ۲۰۰۳a؛ ۲۰۰۴).

دانش انجلیتیک به عنوان دانشی هرمنوتیکی، که به افق‌های معانی و پیش‌فهم‌های تاریخی نظر دارد، انسان را نه یک سوژه‌ی خودمختار، بلکه موجودی دارای امکان‌های متناهی و فقیر بالذات در نظر می‌گیرد که حیطه‌ی قدرت و اختیارش محدود به تاریخ و افق امکان‌های عالمی است که به نحو تاریخی قوام یافته است. این توهم که انسان فعال ما یشاء و دائرمدار هستی است، ذات انسان را به خطر می‌افکند و چه بسا انسانی که اسیر غرور شده و از امکان‌ها و حدود اختیاراتش غفلت کرده است، راحت‌تر تحت انقیاد قوانین نانوشته و ساختارهای قدرت درآید.

نگاه فلوریدی به تاریخ، در طرح مسأله‌ی معنی‌دهی به هستی، نگاهی هگلی است که بر اساس آن، در سیر تاریخ، ذهن هر چه بیشتر به سمت شکوفائی و آزادی پیش می‌رود و نهایتاً به شأن حقیقی خود، یعنی مدل‌سازی واقعیت به جای صرفاً شناسایی و تحلیل آن، می‌رسد. نگاه مثبت فلوریدی به ایدئالیسم آلمانی بر همین مبنی است. فلوریدی بر هایدگر خرده می‌گیرد که چرا تاریخ غرب را تاریخ غفلت از هستی دانسته است. به زعم فلوریدی تفکر مونیستی (وحدت بین هایدگر با هستی‌زده کردن من^۴، فقط منجر به از خودبیگانگی می‌شود، چراکه اندیشه‌ی فتوح به هستی که هایدگر مطرح می‌کند، بدون فنای من و انحلال آن در جهان امکان‌پذیر نیست. به عقیده‌ی فلوریدی، ذهن باید از هستی رها شود تا شکوفا گردد و به عبارت دیگر، هستی باید تحت تسلط انانیت انسان درآید (فلوریدی، ۲۰۰۳b). بر این اساس اگر بخواهیم از اصطلاحات

-
1. angelology
 2. theology
 3. rhetorics
 4. Beingization of the I

هایدگری استفاده کنیم، می‌توانیم بگوییم که فلسفه‌ی اطلاعات فلوریدی بیانگر به تمامیت رسیدن تاریخ غفلت از هستی است. جالب اینکه هایدگر در مصاحبه‌ی معروفش با مجله‌ی اشپگل در پاسخ به این پرسش که با به تمامیت رسیدن فلسفه و انحلال آن در هیأت علوم منفرد، چه چیز جای آن را می‌گیرد، پاسخ می‌دهد: سیرنیتیک (هایدگر، ۱۳۸۰، ص ۱۷۵) و می‌دانیم که فلسفه‌ی اطلاعات فلوریدی، داعیه‌ی جبران نقایص پارادایم مبتنی بر عملیات کامپیوتری^۱ در هوش مصنوعی و سیرنیتیک را دارد. در مقابل، نگاه هرمنوتیکی کاپورو در صدد توجه به امکان‌های وجودی دازاین و گشودگی او به هستی و آمادگی برای نیوشایی ندای هستی در فرارفتن از افق عالم مدرن است.

فلوریدی ظهور فلسفه‌ی اطلاعات را بر اساس سیر جدالی نوآوری و اسکولاستیسیسم در دیالکتیک رَویت^۲ توجیه می‌کند. دیالکتیک رَویت به سیر جدالی نوآوری و اسکولاستیسیسم اشاره دارد. به عقیده‌ی فلوریدی، هر جنبش فکری‌ای با نوآوری آغاز می‌شود، بسط می‌یابد و به یک پارادایم غالب بدل می‌شود تا این که سرانجام به یک حالت تعصب‌آمیز و جزمی می‌رسد که هیچ نوآوری مفهومی جایگزینی را برنمی‌تابد و لذا نمی‌تواند خود را با محیط دائم‌التغییری که خود به ایجاد آن کمک کرده است، سازگار کند. در این معنی تقدیر تاریخی هر جنبش فکری‌ای سیر از نوآوری به اسکولاستیسیسم است (فلوریدی، ۲۰۲۰).

1. computation

۲. dialectic of reflection: معمولاً لفظ reflection را به بازنمایی ترجمه می‌کنند اما باید توجه داشت که reflection به تفکر (در مقابل ظن و گمان) اشاره دارد و این دقیقاً مطابق با معنی رَویت در متون فلسفی ماست. در ترجمه‌ی متون یونانی به عربی، رَویت غالباً در قبال کلمه‌ی یونانی δίανοια = دیانوئیا = تفکر^۳ که خود در قطب مخالف δόξα = دوکسا = پندار^۴ است، به کار رفته است. در کتاب «اصطلاحات فلسفی و تفاوت آن‌ها با یکدیگر» رَویت در مقابل رأی قرار گرفته و آمده است: «رأی باور و اعتقاد نفسانی است درباره‌ی دو امر نقیض که قبول یکی از آن‌ها در ظن و گمان غلبه دارد و به این معنی است آیه‌ی (يُرْوَاهُمْ مِثْلَهُمْ رَأَى الْعَيْنِ) آل عمران-۱۳؛ کافران مؤمنان را دو برابر آنچه بود می‌دیدند. رَویت و ترویبه اندیشیدن و تفکر در چیزی و برگرداندن تصور آن چیز به میان خاطرات نفسانی است، برای کسب نظر و اندیشه‌ی صحیح» [بنگرید به: علی کرچی، اصطلاحات فلسفی و تفاوت آن‌ها با یکدیگر (قم: بوستان کتاب قم- انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۱)، ص ۱۳۷]. دیالکتیک رَویت، سیر جدالی بین نوآوری و اسکولاستیسیسم است در عرصه‌ی تفکر [رَویت = reflection = δίανοια].

تا قبل از انقلاب علمی مدرن در قرن هفدهم فلسفه بحث‌الوجود^۱ بود و متافیزیک در آن غلبه داشت. پس از انقلاب علمی، بشر نظرش را بیشتر معطوف به نسبت سوژه-ابژه کرد و بدین ترتیب فلسفه عمدتاً حول محور بحث‌المعرفه^۲ چرخید. با آغاز قرن بیستم، فلسفه بیشتر بحث از زبان را در دستور کار قرار داد و معرفت‌شناسی جای خود را به فلسفه‌ی زبان داد. به عقیده‌ی فلوریدی امروزه با ظهور جامعه‌ی اطلاعاتی و ساحت اطلاعاتی^۳ فلسفه‌ی زبان در قالب حوزه‌هایی از قبیل پوزیتیویسم منطقی، فلسفه‌ی تحلیلی، فلسفه‌ی عقل متعارف^۴، پست مدرنیسم، شالوده شکنی^۵، هرمنوتیک، پراگماتیسم، ناتورالیسم و ... به وضعیت اسکولاستیسیسم رسیده است. بیش از نیم قرن از اختراع اولین مین فریم^۶ها گذشته و جامعه به جایی رسیده است که تولید، مدیریت و استفاده از منابع اطلاعاتی برای بقا حیات است. تکنولوژی اطلاعات به نماد هزاره‌ی جدید بدل شده است، همان گونه که آسیاب‌ها نماد قرون وسطی، ساعت‌های مکانیکی نماد قرن هفدهم (انقلاب علمی) و موتور بخار نماد انقلاب صنعتی بود (فلوریدی، ۲۰۰۲C). بر این اساس فلسفه‌ی اطلاعات، یک پارادایم جدید است که پارادایم‌های فلسفی قدیمی را کنار می‌نهد.

فلوریدی فلسفه‌ی اطلاعات را به عنوان حوزه‌ای فلسفی تعریف می‌کند که مربوط است به:

۱. تحقیق انتقادی درباره‌ی ماهیت مفهومی و اصول اساسی اطلاعات، از جمله دینامیک‌های اطلاعات، کاربرد اطلاعات و علوم مربوط به اطلاعات؛
۲. اخذ و کاربرد روش‌شناسی‌های مبتنی بر نظریه‌ی اطلاعات و عملیات کامپیوتری در حل مسائل فلسفی (فلوریدی، ۲۰۰۲C؛ ۲۰۰۵C).

نیمه‌ی اول تعریف بیانگر این است که فلسفه‌ی اطلاعات شاخه‌ای از فلسفه است که به این پرسش که «ماهیت اطلاعات چیست؟» اهتمام دارد. پرسش $\tau\acute{\iota} \acute{\epsilon}\sigma\tau\iota$ [= تی إستی] در عصر اطلاعات به صورت پرسش از ماهیت اطلاعات جلوه کرده است. فلوریدی این وجه را وجه

1. ontology

2. epistemology

۳. Infospher: مقصود فلوریدی از «ساحت اطلاعاتی» محیط معنایی ای است که مردمان در آن به سر می‌برند و عمدتاً حاصل

تکنولوژی‌های اطلاعات و ارتباطات است.

4. common sense

5. deconstruction

6. main frame

پدیدارشناختی^۱ فلسفه‌ی اطلاعات می‌نامد. بر اساس نیمه‌ی دوم تعریف، ما می‌توانیم مسائل تاریخ فلسفه را با توجه به روش‌ها و نظریه‌های اطلاعاتی بازتعریف کنیم. فلسفه‌ی اطلاعات فقط یک حوزه‌ی جدید پرسش فلسفی نیست، بلکه روش‌شناسی جدیدی را نیز ارائه می‌کند. فلوریدی این وجه را وجه فراترینه‌ی ای^۲ فلسفه‌ی اطلاعات می‌نامد. این‌ها باعث می‌شوند که فلوریدی فلسفه‌ی اطلاعات را پارادایم فلسفی غالب در عصر اطلاعات بداند.

کاپورو نیز در طرح انجلیتیک، به عنوان یک حوزه‌ی مطالعاتی جدید همین داعیه را دارد. او انجلیتیک را به عنوان علمی پارادایمی در عصر اطلاعات معرفی کرده است. موضوع انجلیتیک‌انباء و پیام‌رسانی است و مسائل آن عبارت‌اند از: منشأ، هدف و محتوای پیام؛ ساختارهای قدرت؛ تکنیک‌ها و ابزارهای پخش پیام؛ روش‌های زندگانی؛ تاریخ پیام‌ها و پیام‌رسانان؛ کدگذاری و تفسیر؛ و جنبه‌های روان‌شناختی، سیاسی، اقتصادی، زیبایی‌شناختی، اخلاقی و دینی پیام‌ها (کاپورو، ۲۰۰۴). انجلیتیک یک حوزه‌ی تحقیقاتی میان رشته‌ای است که با مطالعات رسانه‌ها^۳، نشانه‌شناسی^۴ و هرمنوتیک در پیوند است. کاپورو (۲۰۰۳a) می‌گوید:

سرآغاز هر تفسیری انتقال پیام است. هر مس^۵ هم پیام‌رسان خدایان است و هم تفسیرکننده‌ی آن پیام‌ها. ماهیت پیام آورانه‌ی ارتباطات^۶ است که در انجلیتیک مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. در عین حال همه‌ی فرایندهای انتقال پیام مبتنی‌اند بر یک وضعیت انجلیتیک-هرمنوتیکی که در آن فرستنده و گیرنده مبنای تفهیمی مشترکی دارند. به عبارت دیگر، انجلیتیک، مبتنی بر این عقیده که تفهم یا-به بیان عام‌تر- فرایند انتخاب بین دو نظام امکان‌پذیر است، روی ثنویت فرستنده/گیرنده کار می‌کند. هرمنوتیک، مبتنی بر این عقیده که ابژه‌ی فرایند تفسیر (پیام) با موفقیت به گیرنده-که نقش ابژه‌ی انتخاب را دارد- عرضه شده است، روی تفاوت بین پیش فهم و تفسیر کار می‌کند.

1. phenomenological
2. metatheoretical
3. media studies
4. semiotics

۵. Hermes: فرزند زئوس و مایا [Maia]. زئوس او را به مقام پیام‌آورنده‌ی خدایان گمارد. به‌سان یک پیام‌گزار، او خدای شیوایی و بلاغت نیز به شمار می‌رفت. او بر رؤیاها نیز مهتری دارد و از این راه، پیام بسیاری را از سوی خدایان می‌رساند. اختراعات بسیاری چون چنگ را به او نسبت می‌دهند. می‌گویند با همکاری الهه‌های سرنوشت، الفبای یونانی را پدید آورد. بنگرید به: مایک دیکسون کندی، **دانشنامه اساطیر یونان و روم**، ترجمه رقیه بهزادی (تهران: طهوری، ۱۳۸۵)، ص ۳۹۷-

۳۹۸

6. message-bearing nature of communication



نشانه‌شناسی به بررسی کلیت فرایندی می‌پردازد که به واسطه‌ی آن یک نشانه - یعنی آنچه که به چیزی دلالت می‌کند و فرض بر آن است که مفسر آن را انتخاب می‌کند - به منزله‌ی ساختاری دینامیک و خود - سازمان‌دهنده^۱ شناخته می‌شود.

در این میان، نقش هرمنوتیک بسیار پررنگ است. از مهم‌ترین رسالت‌های انجلیتیک این است که تحقیق کند که افق‌های معانی یا پیش‌فهم‌های مشترک چگونه شکل می‌گیرند و این پیش‌فهم به چه نحو به عوامل مادی در انتقال پیام معنی می‌بخشد. تأکید انجلیتیک بر عواملی از قبیل پیش‌فهم‌ها یا افق‌های معانی است و از این حیث با هرمنوتیک پیوند می‌یابد. کاپورو می‌کوشد تا درباره‌ی علم انجلیتیک بر اساس مفهوم پیش‌ساختارفهم^۲ در نزد هایدگر نظریه‌پردازی کند. این بدان معنی است که پیام دارای خصلت وجودی (انتولوژیک) و لذا دارای نسبتی با عالم اگزیستانس انسانی دانسته می‌شود. انجلیتیک خلف هرمنوتیک و کوششی برای گسترش رهیافت هرمنوتیکی به مطالعات اطلاع‌رسانی است (تاکنوشی^۳، ۲۰۰۴).

اما در ارتباط با ادعای فلوریدی و کاپورو مبنی بر انقلابی بودن رهیافت‌هایشان باید به تفاوت ظریفی توجه کرد. اگر به مسائل هجده‌گانه‌ای که فلوریدی آن‌ها را مسائل مطرح در فلسفه‌ی اطلاعات دانسته است (فلوریدی، ۲۰۰۴f؛ ۲۰۰۵c) نگاهی بیفکیم، مشاهده خواهیم کرد که این مسائل بیش از آن در حوزه‌های تحقیقاتی رسمی و رایج ریشه دارند که بتوان فلسفه‌ی اطلاعات را نوآوری‌ای در جهت نسخ اسکولاستیسیسم دانست. اغلب این مسائل، در همان رشته‌هایی که فلوریدی آن‌ها را دچار اسکولاستیسیسم می‌داند، مطرح شده و پاسخ‌هایی یافته‌اند. همچنین نظریه‌ی اطلاعات معنایی فلوریدی که او آن را «تعریف خاص اطلاعات^۴» (ت.خ.ا.) می‌نامد، مبتنی بر مفهومی بسیار شایع و ارتودوکس از اطلاعات است؛ یعنی اطلاعات به عنوان «داده‌های دارای نظم معنی‌دار» که او آن را «تعریف عمومی اطلاعات^۵» (ت.ع.ا.) می‌نامد (فلوریدی، ۲۰۰۳a؛ ۲۰۰۵a؛ ۲۰۰۵b). این امر به فلسفه‌ی اطلاعات فلوریدی حالتی محافظه‌کارانه و حافظ

1. self-organizing
2. prestructure of understanding
3. Takenouchi
4. special definition of information(S.D.I.)
5. general definition of information(G.D.I.)

۶. در بخش‌های آتی درباره‌ی تعریف‌های مورد نظر فلوریدی توضیح خواهم داد.

وضع موجود [= status que] می‌بخشد، اما کاپورو که بنیان کار خود را بر هرمنوتیک و تحلیل انگیزستانسیال دازاین^۱ می‌گذارد (کاپورو، ۱۹۹۲a؛ ۱۹۹۲b؛ ۲۰۰۰)، موضعی کاملاً انقلابی دارد که مرزهای تلقی شایع از اطلاعات را زیر پا می‌گذارد.

کاپورو به تاریخ به نحو خطی نگاه نمی‌کند، بلکه در رهیافت تبارشناسانه‌ی^۲ او ادوار تاریخی هر یک از صورت نوعیه‌ای برخوردار است که مابه‌ی تمایز آن دوره از دوره‌ی دیگر است. این نگاه به تاریخ، باعث می‌شود که نظام‌های اطلاع‌رسانی و اِنباء در طول تاریخ (اساطیری، دینی، فلسفی - علمی و الکترونیکی) را نه بر اساس سیر تحول مادی و ابزار، بلکه بر اساس حیات باطنی هر دوره که مؤسس بر تفکر خاصی است توصیف کند. در هر دوره‌ی تاریخی، بسته به نسبت انسان با وجود و عهدی که انسان در اوقات تفکر با وجود بسته است، درک و تلقی خاصی از اِنباء و اِخبار و اطلاع‌رسانی به وجود آمده است. این گونه نیست که سیر نظام‌های ارتباطی از بدویتِ عالمِ باستان به ترقیِ عالمِ مدرن بوده باشد. نظام اِنباء در عالم اساطیری شاعرانه یا نظام دینی الهی یا نظام فلسفی باستانی یا نظام علمی سکولار، هر یک از منطق درونی خاص خود برخوردار است و برای درک معنی اطلاعات، باید آن را در هر دوره‌ی تاریخی‌ای بر اساس این منطق درونی فهم کرد (کاپورو، ۱۹۹۶). فلوریدی نیز بر ارزش تاریخی یا درزمانی^۳ فلسفه‌ی اطلاعات تأکید کرده است. در نظر او فلسفه‌ی اطلاعات نسبت به فلسفه‌ی عملیات کامپیوتری^۴ دارای مزیت درزمانی است. ما نمی‌توانیم سابقه‌ی چندان طولانی‌ای برای فلسفه‌ی عملیات کامپیوتری یا فلسفه‌ی هوش مصنوعی بیابیم و نهایتاً به افرادی مانند دکارت، پاسکال و لاینیتس به عنوان نیای فکری فلسفه‌ی عملیات کامپیوتری و هوش مصنوعی باید بسنده کنیم. اما مفهوم اطلاعات، نسبت به مفهوم عملیات کامپیوتری^۵ بسیار انعطاف پذیرتر و سیال‌تر است و می‌توانیم قدمت بحث درباره‌ی آن را تا فلسفه‌ی باستان به عقب ببریم. مثلاً می‌توانیم از «اطلاعات در نظر افلاطون» صحبت کنیم: عالم مُثُل [= ἰδέα = ایدئا] افلاطونی و ارتباط اعیان اشیاء با جهان کثرات، که تحت عنوان محاکات [= μίμησις = میمسیس] و تخصص [= μἔθεσις = متکسیس] در تفکر

-
1. Dasein
 2. genealogy
 3. diachronic
 4. philosophy of computation
 5. computation

افلاطون بیان می‌شود، صورت‌دهی یا همان in-formation است. نمونه‌ی دیگر جهان ۳ پوپر است که می‌توان به راحتی آن را در ارتباط با مفهوم اطلاعات مورد تفسیر قرار داد. البته این بدان معنی نیست که همه‌ی مسائل فلسفی را به مسائل اطلاعاتی تحویل کنیم، بلکه صحبت از ارزش در زمانی فلسفه‌ی اطلاعات است (فلوریدی، ۲۰۰۲a). معهداً رهیافت فلوریدی در تحلیل نهایی، اساساً غیرتاریخی^۱ است و او به جز اشاراتی پراکنده، نظریه‌ی تاریخی متقنی درباره‌ی اطلاع و انبء در تاریخ تفکر غربی ارائه نکرده است.

نحوه‌ی تعریف اطلاعات

هم فلوریدی و هم کاپورو امکان نظریه‌ای واحد درباره‌ی اطلاعات^۲ را طرد می‌کنند. فلوریدی به سه رهیافت اشاره می‌کند. رهیافت مرکزیت‌گرا^۳ که مورد قبول قائلان به تحویل‌انگاری^۴ است. این‌ها از «نظریه‌ی واحد درباره‌ی اطلاعات» دفاع می‌کنند. بر این اساس، همه‌ی انواع اطلاعات، نهایتاً از حیث مفهومی قابل تحویل به یک مفهوم بنیادین^۵ اند و این مفهوم بنیادین هم غالباً مفهومی است که در نظریه‌ی ریاضی ارتباطات بیان شده است. رهیافت دوم، رهیافت مرکزیت‌گرایز^۶ است که فلوریدی قائلان به آن را مخالفان تحویل‌انگاری^۷ می‌خواند. این گروه به گونه‌ای رادیکال از پلورالیسم مفهومی اطلاعات دفاع می‌کنند و هرگونه تلاش برای ابتدای تعریف اطلاعات بر یک مفهوم بنیادین را مردود می‌شمارند. به زعم اینان باید تکرر مفهومی اطلاعات به رسمیت شناخته شود و به این امر بسنده شود که اطلاعات در هر حوزه‌ی تخصصی‌ای، توسط متخصصان آن حوزه تعریف شود، بی آن که در جست و جوی جوهری بنیادین برای آن باشیم. در مقابل این دو گروه، فلوریدی از راه سوم و امر بین‌الامرین، یعنی راه non-reductionist دفاع می‌کند. فلوریدی با طرح راه سوم می‌خواهد از تفرع‌ثنایی^۸ تحویل‌انگاری و پلورالیسم

-
1. ahistorical
 2. unified theory of information
 3. centralised approach
 4. reductionism
 5. Ur-concept
 6. decentralized approach
 7. antireductionist
 8. dichotomy

بگذرد. بر اساس راه سوم، هرگونه بحث درباره‌ی چیستی اطلاعات باید براساس تحلیل مفاهیمی باشد که به صورت شبکه‌ای از مفاهیم مرتبط^۱ در نظر گرفته شده‌اند. بر این اساس گرچه نمی‌توان از نظریه‌ای واحد درباره‌ی اطلاعات دم زد، اما می‌توان بین مفاهیم مختلف اطلاعات در حوزه‌های گوناگون روابط مفهومی برقرار کرد و آن‌ها را به صورت شبکه‌ای از مفاهیم که در عین استقلال از هم، با هم در تعامل‌اند در نظر گرفت. در اینجا، مجموعه مفاهیمی مورد تحلیل قرار می‌گیرند که دارای ارتباط متقابل‌اند، اما ضرورتاً قابل تحویل به یک مفهوم بنیادین نیستند (فلوری، ۲۰۰۳a).

در مقابل، کاپورو به منظور تعریف اطلاعات، به طرح آن چیزی می‌پردازد که آن را قیاس سه حدی کاپورو^۲ می‌خوانند. بر اساس قیاس سه حدی کاپورو، سه کاربرد برای کلمه‌ی اطلاعات می‌توان در نظر گرفت: توطی^۳، قیاس^۴ و تشکیک^۵ (کاپورو، فلاسنر^۶، هوفکیرشنر^۷، ۱۹۹۷؛ کاپورو، ۲۰۰۳b). توطی یعنی یکسان حمل شدن کلی بر افراد خود. مانند حمل مفهوم اسب بر این اسب و آن اسب که البته بر همه یکسان صادق است و دارای شدت و ضعف نیست و هیچ اسبی اسب‌تر از اسب دیگر نیست (خوانساری، ۱۳۷۶). به عقیده‌ی کاپورو، اگر اطلاعات را مفهومی متوطی بدانیم، همه‌ی تفاوت‌های کیفی را نیست انگاشته‌ایم. وقتی بر اساس ایده‌ی توطی اطلاعات، قائل به این هستیم که ایمیل و تکثیر سلولی، به یک معنی فرایند اطلاعاتی به شمار می‌روند، تمام تفاوت‌های کیفی بین این دو را نادیده گرفته‌ایم، چراکه نه تنها ماده و صورت، بلکه فرایندهای جاری در سلول‌ها و وسایل کامپیوتری متفاوت از هم‌اند (کاپورو، فلاسنر، هوفکیرشنر، ۱۹۹۷). قیاس در لغت به معنی برگرداندن شیء به چیزی شبیه به آن است (جرجانی، ۱۳۷۷). قیاس گرفتن چیزی از چیزی به معنی شبیه دانستن چیزی به چیزی دیگر است. اگر اطلاعات را به نحو

1. network of connected concepts

۲. Capurro's Trilemma: لفظ trilemma در قیاس با لفظ dilemma که در لغت به معنی دوراهی، محذور، تنگنا و در

منطق به معنی قیاس دو حدی (ذو الحدین) است، ساخته شده است. بر این اساس می‌توان trilemma را در فارسی به «قیاس

سه حدی» ترجمه کرد.

3. univocity

4. analogy

5. equivocity

6. Fleissner

7. Hofkierchner



قیاسی به کار ببریم، لازم می‌آید مشخص کنیم که کدام معنی را **اصل** و کدام‌ها را قیاس از آن گرفته‌ایم. اگر معنی اصلی، همانی باشد که در مرتبه‌ی انسانی به کار می‌رود، وقتی اطلاعات را در مرتبه‌ی نوانسانی به کار می‌بریم، لاجرم به **بشرگون‌انگاری**^۱ تن داده‌ایم (کاپورو، فلاسنر، هوفکیرشنر، ۱۹۹۷). تشکیک نقطه‌ی مقابل توطی است، یعنی از حیث شدت و ضعف یا تقدم و تأخر یا اولیت یا اولویت اختلاف داشتن و به نحو یکسان بر افراد صادق نبودن (خوانساری، ۱۳۷۶). اگر اطلاعات را مفهومی مشکک بدانیم، تصدیق می‌کنیم که کاربردهای اطلاعات در مرتبه‌ی طبیعی و اجتماعی یا انسانی و زیستی و فیزیکی متفاوت از هم‌اند (کاپورو، فلاسنر، هوفکیرشنر، ۱۹۹۷).

کاپورو خود قائل به تشکیکی بودن اطلاعات است. در نظر او باید بین اطلاعات در مرتبه‌ی انسانی (اجتماع، تاریخ، فرهنگ) با اطلاعات در مرتبه‌ی نوانسانی (جمادات، نباتات، حیوانات) فرق گذاشت. ما به مفهومی عمومی از اطلاعات که در تمامی حوزه‌ها به نحو یکسان به کار رود نیازی نداریم، بلکه در هر حوزه با کاربرد خاص کلمات در آن حوزه، کار خود را رتق و فتق می‌کنیم. مثلاً مفهوم **نیرو** به طرق گوناگون در فیزیک، علوم سیاسی و محاورات روزمره به کار می‌رود و کسی تا به حال به صرافت نیفتاده تا تعریفی همه شمول از آن ارائه کند، بلکه هر کس که در بازی زبانی^۲ مربوطه شرکت می‌کند، بنا به مقتضیات آن بازی، کلمه‌ی نیرو را در جای خود به کار می‌برد. در مورد مفهوم اطلاعات نیز اوضاع از همین قرار است. ما باید بکشیم مفهوم اطلاعات را در پیوندی که با نظریه‌ها و رشته‌ها و حوزه‌های مختلف علوم دارد، فهم کنیم (کاپورو، ۲۰۰۳b).

تعریفی که فلوریدی از اطلاعات ارائه می‌کند مبتنی بر روش تقسیم استقرائی است و در محدوده‌ی منطق جای می‌گیرد (فلوریدی، ۲۰۰۴d؛ ۲۰۰۵b). اما کاپورو بر اساس آرن آلف چالمرز^۳، فیلسوف علم معاصر، قائل به این نوع تعریف نیست. به عقیده‌ی او نمی‌توان از موضعی ایستا و صرفاً به کمک روش‌های منطقی الفاظ را تعریف کرد. در منطق این گونه فرض شده است که کلمات معانی خود را از رهگذر تعریف منطقی توسط انسان کسب می‌کنند. این پیش فرضی

-
1. anthomorphism
 2. Sprachspiele=language game
 3. Alan F. Chalmers

اومانستی بیش نیست. این انسان نیست که به واسطه‌ی تعریف منطقی به کلمات معنی می‌بخشد، بلکه الفاظ تعریف خود را در نظام‌های سخن، در نظریه‌های علمی و در گفت‌وگوهای حرفه‌ای می‌یابند و انسان نیز غالباً ناخودآگاه وارد بازی زبان می‌شود و آن‌ها را استعمال می‌کند. لذاست که توجه به سیر تاریخی مفهوم اطلاعات برای کاپورو اهمیت دارد. اما فلوریدی کاری به تاریخ مفهوم اطلاعات ندارد.

رهیافت تاریخی کاپورو به تعریف اطلاعات، لاجرم دارای سویه‌های انتقادی است. اطلاعات دارای جنبه‌های بلاغی^۱ است، یعنی نمی‌توان آن را از کارکرد قدرت در جامعه جدا دانست. اطلاعات و نظام‌های اطلاع‌رسانی در افق عالم خاصی شکل گرفته‌اند و دارای جهت‌گیری‌های انتولوژیک هستند. مثلاً غالب نظام‌های اطلاع‌رسانی کنونی ریشه در سنن فرهنگی - تمدنی غرب مدرن دارند و در خدمت ترویج غایات تمدنی غرب هستند. اکولوژی اطلاعاتی^۲ کاپورو در صدد کمک به فرهنگ‌های غیرغربی است تا بتوانند از اطلاعات و سیستم‌های اطلاعاتی استفاده کنند، اما در عین حال از مآثر فرهنگی خود نیز غافل نباشند (کاپورو، ۱۹۹۰). بر اساس این نگاه اگزستانسیال، کاپورو علم اطلاع‌رسانی را دارای دو جنبه می‌داند: جنبه‌ی صوری - روش شناختی^۳ یا هیورستیکی^۴ و جنبه‌ی فرهنگی - تاریخی^۵ یا هرمنوتیک. اولی همین روش‌های تجربی و تحصیلی رایج در حوزه‌های فنی علم اطلاع‌رسانی است. دومی جنبه‌ای است که تا به حال مورد غفلت بوده و آن، بحث از ساحات تاریخی - فرهنگی‌ای است که پیش شرط فهم ما از معنی آنچه به فهم درمی‌آید است. کاپورو با تأکید بر جنبه‌ی هرمنوتیک، علم اطلاع‌رسانی را از فروع فن بلاغت می‌شمارد. رهیافت هرمنوتیکی - بلاغی کاپورو جهات غایت شناختی اطلاعات را در کار می‌آورد، اما رهیافت معرفت‌شناختی - منطقی فلوریدی فاقد این وجه انتقادی است. کاپورو معتقد است که نگاه شایع به اطلاعات که آن را مجموع داده‌های منظم معنی‌دار می‌داند، از ماهیت بلاغی و خطابی و از غایت‌مندی اطلاعات غافل است. اما از نظرگاه هرمنوتیکی - بلاغی،

-
1. discourse
 2. rhetoric
 3. information ecology
 4. formal-methodologica
 5. heuristic
 6. cultural-historical

اطلاعات و نااطلاعات^۱ در هم تافته‌اند. اطلاعات دارای جهات وجودی خاصی است و لذا هر اطلاعاتی، هم‌هنگام، نااطلاعات هم هست، چراکه اطلاعات ساحتی از اگریستانس انسان است و اگریستانس انسان، ساختاری متناهی است که برآمده از افق عالم خاصی است. از نظرگاه هرمنوتیکی- بلاغی، سخن اطلاع‌بخش^۲ به صورت ناب وجود ندارد، چراکه اطلاعات دارای سوگیری و جهت‌مندی و در راستای ترویج غایات فرهنگی- تمدنی خاصی است. لذا این پرسش که «اطلاعات چیست؟» در نظرگاه هرمنوتیکی- بلاغی به این پرسش بدل می‌شود که «اطلاعات در راستای چه هدفی است؟»، یعنی عوامل و غایات فرهنگی- تمدنی اطلاعات محل پرسش می‌شود (کاپورو، ۱۹۹۲a).

نگاه هرمنوتیکی- بلاغی کاپورو، بر نیاز به ایضاح بنیادهای ادعاهای معرفتی تأکید دارد. ما داده‌ها را به منظور حمایت از فعالیت‌های خاصی در نظام‌های اطلاعاتی مان بازنمایی می‌کنیم. به عبارت دیگر، بازنمایی داده‌ها در سیستم‌های اطلاعاتی غایات مشخصی دارد. نگاه پوزیتیویستی، غایت‌شناسی^۳ را مغفول می‌گذارد. ما باید نگاه غایت‌شناسانه به اطلاعات و نظام‌های اطلاعاتی را احیاء کنیم و این در چارچوب نگاه هرمنوتیکی- بلاغی امکان‌پذیر است. ما نباید بازنمایی داده‌ها در نظام‌های اطلاعاتی را امری ختنی بپنداریم. آنچه که ما آن را اطلاعات می‌نامیم، بازتابی است از نقش اجتماعی نظام اطلاعاتی. تمام انواع نظام‌های اطلاعاتی، سیاست‌ها و اهداف کمابیش روشنی دارند. ما باید مفروضات نظری، اجتماعی و تاریخی‌ای که سیستم‌های اطلاعاتی بر آن‌ها مبتنی‌اند را بشناسیم. اگر این کار انجام نشود، نگاه پوزیتیویستی و فنی صرف، کارکردی از خودبیگانه‌کننده خواهد یافت و انسان مدرن را هرچه بیشتر تحت سیطره‌ی قوانین و سیاست‌های نانوشته قرار خواهد داد (کاپورو و یورلند، ۲۰۰۳).

-
1. misinformation
 2. informative speech
 3. teleology

چیستی اطلاعات

تعریفی که فلوریدی از اطلاعات ارائه می‌کند، مبتنی بر فضای داده‌ها^۱ است؛ این تعریف، تعریف اطلاعات بر مبنای داده‌ها^۲ است. در سه دهه‌ی گذشته، بسیاری از حوزه‌ها از قبیل دانش اطلاع‌رسانی، مدیریت اطلاعات و نظریه‌ی تصمیم^۳ تعریفی از اطلاعات را پذیرفته‌اند که فلوریدی آن را «تعریف عمومی اطلاعات»^۴ (ت.ع.ا.) نامیده است. تقریر فلوریدی از «ت.ع.ا.» بدین صورت است: σ نمونه‌ای از اطلاعات (محتوای معنایی عینی) است، اگر و فقط اگر:

♦ «ت.ع.ا.۱.»: σ از n داده تشکیل شده باشد و $n \geq 1$

♦ «ت.ع.ا.۲.»: داده‌ها دارای نظم مناسب باشند؛

♦ «ت.ع.ا.۳.»: داده‌های دارای نظم مناسب، معنی‌دار باشد (δ) (فلوریدی، ۲۰۰۳a؛

۲۰۰۵a، ۲۰۰۵b).

اما فلوریدی «ت.ع.ا.۱.» را **اطلاعات بالمعنی‌الاعم** خوانده و آن را ناقص می‌داند. علت نقص «ت.ع.ا.۱.» چیزی است که فلوریدی از آن با عنوان **تعليق صدق یابی**^۵ یاد می‌کند. از جمله قائلان به تعلیق صدق‌یابی، فلوریدی از فتزر^۶ و دودیک-کرنکوویچ^۷ نام می‌برد. اینها معتقداند که داده‌هایی که دارای نظم مناسب و معنی‌دار باشند، اطلاعات‌اند و صدق و کذب آن در این امر مدخلیتی ندارد و لازم نیست که اطلاعات حتماً ارزش صدق^۸ داشته باشد. اما فلوریدی معتقد است که داده‌های دارای نظم مناسب و معنی‌دار، تنها زمانی به اطلاعات بدل می‌شوند که به امکان خاص^۹ صادق باشند. «ت.ع.ا.۱.» شرط لازم برای اطلاعات است نه شرط کافی، چراکه شرط صدق را در تعریف اطلاعات دخیل نمی‌کند (فلوریدی، ۲۰۰۵a). بر این اساس او موضع خود را، **موضع**

-
1. data space
 2. data-based definition of information
 3. decision theory
 4. general definition of information
 5. alethic neutrality
 6. Fetzer
 7. Dodig-Crnkovic
 8. truth value
 9. contingently

حقیقت‌گویانه^۱ خوانده است، چرا که مطابق آن، اطلاعات باید دربرگیرنده‌ی حقیقت (صدق)^۲ باشد (فلوری‌دی، ۲۰۰۴C).

در نتیجه‌ی حذف شرط صدق از تعریف اطلاعات، که از جمله در «ت.ع.ا.» نیز دیده می‌شود، اطلاعات کاذب (از جمله گزاره‌های متنافی الاجزاء) نوعی اصیل از اطلاعات معنایی به حساب خواهند آمد، در حالی که آن‌ها شبه اطلاعات^۳ اند، نه اطلاعات. همچنین حقایق ضروری^۴، از جمله همانگویی^۵ ها اطلاعات به حساب نخواهند آمد. اینها توالی تن دادن به «ت.ع.ا.» است که از آن به فراکیش بارهیلل - کارناپ^۶ تعبیر می‌شود (فلوری‌دی، ۲۰۰۵a، ۲۰۰۵b).

هیچ یک از توالی و نتایج مترتب بر تعلیق صدق‌یابی نهایتاً قابل دفاع نیست و این ما را به بازنگری در «ت.ع.ا.» فرامی‌خواند. راه حل، دخیل کردن شرط صدق در تعریف اطلاعات است. فلوری‌دی چنین تعریفی را «تعریف خاص اطلاعات»^۷ (ت.خ.ا.) می‌خواند. بر اساس «ت.خ.ا.»،^۸ نمونه‌ای از اطلاعات خبری است، اگر و فقط اگر:

● «ت.خ.ا.۱.»: σ از n داده تشکیل شده باشد و $n \geq 1$ ؛

● «ت.خ.ا.۲.»: داده‌ها دارای نظم مناسب باشند؛

● «ت.خ.ا.۳.»: داده‌های دارای نظم مناسب، معنی‌دار باشند (δ);

● «ت.خ.ا.۴.»: δ صادق باشد (فلوری‌دی، ۲۰۰۳a، ۲۰۰۵a، ۲۰۰۵b).

سودمندی کاربردی «ت.ع.ا.» مسلم است. اما «ت.ع.ا.» کفایت ندارد که در حوزه‌ی معرفت‌شناسی مبتنی بر نظریه‌ی اطلاعات^۸ به کار آید. اما «ت.خ.ا.» می‌تواند در این جهت به کار آید. بر این اساس اطلاعات معنایی صادق توجیه‌پذیر، می‌تواند معرفت به حساب آید (فلوری‌دی، ۲۰۰۴g، ص ۱۹۸).

۱. veridical thesis: مأخوذ از لغت لاتینی veritas به معنی صدق، راستی و حقیقت.

2. encapsulating truth
3. pseudo-information
4. necessary truths
5. tautology
6. Bar-Hillel-Carnap Paradox
7. special definition of information
8. information-theoretical epistemology

داده‌های دارای نظم مناسب و معنی دار و صادق، اطلاعات بالمعنی الاخص است. بر این اساس اطلاعات در سطحی بنیادی‌تر از معرفت عمل می‌کند و شرط حصول معرفت است. بدین ترتیب فلوریدی به نگاه سلسله مراتبی بین داده، اطلاعات و معرفت قائل است. اما کاپورو این نگاه سلسله مراتبی را قبول ندارد، زیرا اولاً داده‌ی ناب وجود ندارد و ثانیاً فرایند حصول اطلاع و معرفت، فرایندی مبتنی بر انباشت خطی نیست. اطلاعات، همان معرفت است به اعتبار اینکه می‌تواند در ضمن فرایند انباشت انتخاب شود و به فهم بینجامد. انباشت، اطلاع و فهم در نظر کاپورو سه جزء جدا از هم نیستند، بلکه سه ساحت ارتباطات در نظام اجتماعی‌اند.

درست است که فلوریدی به نوعی نسبت سلسله‌مراتبی بین داده، اطلاع و معرفت قائل است، اما او نیز مانند کاپورو مفهوم داده‌ی ناب را رد می‌کند. هم کاپورو و هم فلوریدی به تأسی از کانت می‌گویند که ما به نحو مستقیم و بلاواسطه با داده‌های حسی تماس نداریم. به عقیده‌ی فلوریدی، در یک فضای مشاهدتی^۱، داده‌ها به واسطه‌ی فضای انتزاع^۲ است که عرضه می‌شوند. به عقیده‌ی فلوریدی مفهوم داده‌ی ناب فی نفسه یا $\delta\epsilon\delta\omicron\mu\acute{\epsilon}\nu\alpha$ = [دومنا] مفهومی انتزاعی است؛ مانند مفهوم نومن کانتی. ما در سطح آگاهی^۳، داده‌های بی‌معنی ناب^۴ نداریم. ما هرگز داده‌های ناب را به صورت مجرد (ایزوله) ادراک نمی‌کنیم، بلکه در یک زمینه‌ی معنایی^۵ داده‌ها را درک می‌کنیم که خواه ناخواه آن‌ها [= داده‌ها] را معنی‌دار می‌کنند. داده‌های ناب عاری از معنی، یک مفهوم انتزاعی است و در عالم خارج موجود نیست؛ چیزی مانند غذای کاملاً عاری از چربی. داده‌ها همواره آغشته به نوعی معنی و تفسیراند (فلوریدی، ۲۰۰۴b). ما در یک سطح انتزاع^۶ خاص است که با داده‌ها مواجه می‌شویم. هرگونه دستیابی‌ای به داده‌ها، به واسطه‌ی یک تعهد وجودشناختی^۷ است. عاملی که این تعهد وجود شناختی را سبب می‌شود، سطح انتزاع است. داده‌ها مستقل از یک سطح انتزاع قابل دستیابی نیستند. سطح انتزاع را می‌توان به واسطه^۸ تشبیه

-
1. observation space
 2. abstraction space
 3. conscious
 4. pure meaningless data
 5. semantic context
 6. Level of Abstraction (LoA)
 7. ontological commitment
 8. interface

کرد. سطح انتزاع، واسطی است که دامنه و نوع داده‌هایی که به عنوان بنیاد تولید اطلاعات در دسترس خواهند بود را قوام می‌بخشد. مشاهده‌گر یا فاعل اطلاع یابنده، به واسطه‌ی یک سطح انتزاع است که به محیط فیزیکی یا مفهومی دسترسی دارد. به عبارت دیگر سطوح انتزاع، واسطه‌هایی هستند که رابطه‌ی معرفتی بین مشاهده‌شده و مشاهده‌گر را میانجی‌گری می‌کنند. این گزاره که «باتری چیزی است که الکتروسیته‌ی ماشین را فراهم می‌کند»، اطلاعاتی است در سطح انتزاع راننده. سطح انتزاع یک مهندس، ممکن است موجد گزاره‌ای شبیه به این باشد: «باتری ۱۲ ولتی سرب-اسیدی^۱ از شش سلول تشکیل شده است و هر سلول تقریباً ۲/۱ ولت الکتروسیته تولید می‌کند» و سطح انتزاع یک اقتصاددان ممکن است به این گزاره بینجامد که: «یک باتری خوب بین ۵۰ تا ۱۰۰ دلار قیمت دارد و اگر خوب از آن نگهداری شود ۵ سال یا بیشتر دوام می‌آورد» (فلوریدی، ۲۰۰۴b).

برای فلوریدی ما مستقل از یک سطح انتزاع خاص به داده‌ها دسترسی نداریم. داده‌ها معنی خود را در یک سطح انتزاع خاص به دست می‌آورند و واجد ارزش اخباری می‌شوند. در نظر کاپورو نیز انباء و اطلاع مستقل از افق **عالم‌مندی**^۲ دازاین نیست. مفهوم عالم‌مندی در تفکر هایدگر، نقش مهمی در رهیافت هرمنوتیکی-اگزیستانسیال کاپورو به اطلاعات دارد. از آغاز دوره‌ی مدرن و طرح سوژه-ابژه‌ی دکارتی این بحث مطرح بوده است که سوژه چگونه از سپهر درونی خود به ابژه‌ی خارجی منتقل می‌شود. پاسخ هایدگر به این پرسش این است که ما به عنوان دازاین پیشاپیش گشوده به افقی از امکان‌ها هستیم. این افق گشوده‌ی امکان‌ها عالم^۳ ماست. دازاین به عنوان **در-عالم-بودن**^۴، اصلاً در عالم مألوف خود است. این **بودن-در**^۵، به معنی اندراج مکانی نیست، بلکه به معنی انس با اشیاء است. دازاین همواره در شبکه‌ای از نسب و روابط سکنی دارد. عالم، چیزی بیرون از اگزیستانس (تقرر ظهوری) دازاین نیست.

-
1. lead-acid
 2. Weltlichkeit
 3. Welt
 4. In-der-welt-sein
 5. Sein-bie

انسان یک آگاهی ایزوله و بسته نیست که گه‌گاه از لاک خود بیرون بیاید، با جهان خارج تماس یابد، بدان یورش برد و آگاهی کسب کند و دوباره به لاک خود برگردد. اصطلاح دازاین به این امر اشاره دارد که انسان وجود حاضر است. پیشوند Da در آلمانی هم به معنی اینجا و هم به معنی آنجاست (تقریباً معادل هناک عربی). دازاین یعنی این که انسان پیشاپیش در جایی و گشوده به عالمی است.

از نظرگاه هرمنوتیکی، نحوه ی وجود ما با سایر موجوداتی که می‌شناسیم (مثلاً حیوانات یا ماشین‌ها) متفاوت است. اصطلاح **اگزیزستانس** بیانگر این تفاوت است (کاپورو، ۱۹۹۲b). Existenz آلمانی به فعل لاتینی *existere* برمی‌گردد که به معنی بیرون [= ex] ایستادن [= sistere] است. انسان همواره در روشنگاه وجود، تقرر ظهوری دارد. تأکید کاپورو روی این قیام ظهوری یا **being-outside** است. این قیام ظهوری، اساساً **قیام ظهوری** - با - **دیگران**^۱ است. بنیاد اگزیزستانسیال دانش اطلاع‌رسانی همین جاست. اطلاع، در معنایی هرمنوتیکی - اگزیزستانسیال عبارت است از اشتراک یک عالم مشترک به نحو موضوعی و انحصاری. اگر ما به جست‌وجوی شرایط امکان مخابره‌ی معنی چیزها به یکدیگر در یک افق تفهیمی خاص هستیم، پاسخ هرمنوتیکی این است که تمکن ما بر انجام چنین کاری به عالم مشترکی برمی‌گردد که از پیش داریم. لذا اطلاع محصول نهایی فرایند بازنمایی اثره‌های جهان خارج در ذهن سوژه و انتقال آن به ذهن سوژه‌ای دیگر نیست. همچنین، اطلاع امر صادر از سوژه‌ی در بسته و محصور در خود نیست، بلکه ساحتی اگزیزستانسیال از **وجود-در-عالم-با-دیگران**^۲ است (کاپورو، ۱۹۹۲a).

فلوریدی به مسأله‌ی مکان اطلاعات^۳ نیز با استفاده از مفهوم سطح انتزاع پاسخ می‌دهد. اطلاعات نه کاملاً ذهنی است و نه کاملاً عینی است، بلکه در آستانه‌ی ذهن و عین است. او این نگاه را آستانه‌انگاری^۴ می‌نامد. این آستانه، همان سطح انتزاع است. داده‌ها معنی خود را در یک سطح انتزاع حاصل می‌کنند و به اطلاعات بدل می‌شوند. پیش فرض طرح مسأله‌ی مکان اطلاعات، قول به ثنویت سوژه-اثره است و لذا برای کاپورو که این ثنویت را مبدأ عزیمت خود

-
1. being-outside-with-others
 2. being-in-the-world-with-others
 3. locus informationis
 4. liminalism

نمی‌گیرد، چنین مسأله‌ای اساساً بی‌وجه است. برای کاپورو، اطلاع‌ساختی آگزیستانسیال از وجود-در-عالم-با-دیگران است. اطلاع، در معنایی هرمنوتیکی-آگزیستانسیال عبارت است از اشتراک یک عالم مشترک به نحو موضوعی و انحصاری.

فلوریدی مرز مشخصی بین اطلاعات، یعنی محتوای معنایی خبری صادق(اطلاعات بالمعنی‌الاصح) و اطلاعات کذب^۱ قائل می‌شود. فرض او این است که کذب اطلاعات به قصد و نیت گوینده بستگی دارد و لذا اخلاقاً قابل نکوهش است، گرچه اطلاعات کذب می‌تواند به نتایج عملی درست بینجامد(فلوریدی، ۲۰۰۵b). اما برای کاپورو مرز مشخصی بین سخن برهانی و اطلاع بخش از یک سو و سخن اقناعی و برانگیزشی و استحسانی و استعاری از سوی دیگر وجود ندارد. به عقیده‌ی کاپورو نگاه شایع به اطلاعات که آن را مجموع داده‌های منظم معنی‌دار می‌داند، از ماهیت بلاغی و خطابی و از غایت‌مندی اطلاعات غافل است.

در نظر فلوریدی، امر واقع^۲ دارای خصلتی اطلاعاتی است. داده‌ها به مثابه این نه آتی اشیاء[$\delta\epsilon\delta\omicron\mu\acute{\epsilon}\nu\alpha =$ دومنا] تار و پود اجزاء هستی‌اند(فلوریدی، ۲۰۰۴؛ ۲۰۰۸). اما کاپورو این نگاه را تحت عنوان وجودشناسی رقومی^۳ به نقد می‌گیرد. در نظر کاپورو این وجودشناسی رقومی تقریری خاص از ایدئالیسم جرج بارکلی^۴ است که آن را می‌توان با این جمله بیان کرد: *esse est computari*. در وجودشناسی رقومی، امر واقع در قالب اعداد و ارقام قالب‌بندی می‌شود(کاپورو، ۱۹۹۹). این قالب‌بندی را می‌توان گشتل اطلاعاتی^۵ نامید(کاپورو، ۲۰۰۰)، یعنی تسلط سوژه بر واقعیت، به واسطه‌ی بازنمایی رقومی آن.

مفهوم اطلاعات و علم کتابداری و اطلاع‌رسانی

فلوریدی معتقد است که متعلق تحقیق در علم کتابداری و اطلاع‌رسانی اطلاعات است. اما نه اطلاعات بالمعنی‌الاصح، بلکه در معنی عام‌تر داده‌های مضبوط یا اسناد. علم کتابداری و

-
1. disinformation
 2. the real
 3. digital ontology
 4. George Berkeley
 5. Information Gestell
 6. documents

اطلاع‌رسانی از حلول^۱ معنی در اسناد سخن می‌گوید. پس علم کتابداری و اطلاع‌رسانی، عمدتاً به چرخه‌ی حیات اسناد مربوط است (فلوریدی، ۲۰۰۲b، ص ۴۶). به عقیده‌ی کاپورو نیز، اگر می‌خواهیم مفهوم اطلاعات را در کتابداری و سندآمائی به عنوان مفهومی نظری که دارای قدرت تبیینی است به کار ببریم، باید آن را در نسبت با مفاهیم بنیانی‌ای همچون سند، متن، رسانه و ... مطرح کنیم (کاپورو و یورلند، ۲۰۰۳). باید از کاربردهای اقناعی^۲ بهره‌ییم تا از اغتشاش مفهومی در امان بمانیم. می‌توان فلوریدی و کاپورو را همسخن با مایکل باکلند^۳ دانست که موضوع علم کتابداری و اطلاع‌رسانی را «اطلاعات به مثابه شیء»^۴ می‌داند (باکلند، ۱۹۹۱). در مجموع می‌توان گفت که هم فلوریدی و هم کاپورو معتقداند که کتابداری به تعریفی از اطلاعات، مثلاً از آن نوع که در مهندسی الکترونیک یا سیرنیتیک یا فیزیک کوانتوم می‌بینیم یا از آن نوع که در منطق (مثلاً بار- هیلل و کارناب) و معرفت‌شناسی و علوم شناختی می‌بینیم، نیازی ندارد. علم کتابداری و اطلاع‌رسانی باید تعریفی متناسب با روال‌های نظری- فنی خود از اطلاعات ارائه کند.

به عقیده‌ی فلوریدی، در علم کتابداری و اطلاع‌رسانی سه لایه داریم: لایه‌ی سطحی یا معمولی خدمات کتابخانه‌ای؛ لایه‌ی عمیق‌تر آموزش دانشگاهی؛ لایه‌ی بنیادین (فلسفی) که فقط اقلیتی از افراد به آن می‌پردازند (فلوریدی، ۲۰۰۴a). به عقیده‌ی فلوریدی، متأسفانه لایه‌ی کاربردی مورد اهتمام بیشتری بوده است و به لایه‌های دانشگاهی و علی‌الخصوص فلسفی توجه کمتری شده است. لایه‌ی فلسفی کتابداری و اطلاع‌رسانی همان فلسفه‌ی اطلاعات است که می‌بایست از جانب کتابداران مشارکت جدی در بالندگی آن به عمل آید. فلوریدی فلسفه‌ی اطلاعات را به عنوان بنیان نظری علم کتابداری و اطلاع‌رسانی مطرح می‌کند که بهتر از

1. immanence

۲. persuasive: کلمات علاوه بر جنبه‌ی ارجاعی که ناظر به واقعیات بیرونی است، دارای جنبه‌ی عاطفی نیز هستند. فی‌المثل شهید شدن دارای بار عاطفی مثبت، به هلاکت رسیدن، دارای بار منفی و کشته شدن کلمه‌ای خنثی است. این سه، جنبه‌ی ارجاعی یکسانی دارند، در حالی که جنبه‌ی عاطفی آن‌ها متفاوت است. حال اگر در تعریفی از جنبه‌ی عاطفی کلمات یا از کلماتی که بار عاطفی مثبت یا منفی دارند استفاده شود، آن تعریف را اقناعی گویند. کاپورو نیز تعریف اقناعی را گرایش به استفاده و تعریف اصطلاح‌ها به منظور متقاعد کردن و مجاب نمودن و تحت تأثیر قرار دادن دیگران می‌داند. به عقیده‌ی او در بین مشتغلان به کتابداری و اطلاع‌رسانی که از جایگاه حرفه‌ای بالایی در هرم مشاغل برخوردار نیستند، امکان رواج تعاریف اقناعی بالاست و این می‌تواند محل بحث و تفکر جدی درباره‌ی مفاهیمی همچون اطلاعات باشد.

3. Michael Bukland

4. information-as-thing

معرفت‌شناسی اجتماعی^۱ جس شرا^۲ می‌تواند از عهده‌ی این کار برآید. او نسبتی دوجانبه بین فلسفه‌ی اطلاعات و علم کتابداری و اطلاع‌رسانی برقرار می‌کند. از یک سو فلسفه‌ی اطلاعات مبنای فلسفی لازم برای علم کتابداری و اطلاع‌رسانی را فراهم می‌کند و از سوی دیگر، کتابداری و اطلاع‌رسانی، به عنوان فلسفه‌ی کاربردی اطلاعات می‌تواند نقشی فعال در توسعه‌ی قلمرو فلسفه‌ی اطلاعات ایفا کند. این بدان معنی است که کتابداری و اطلاع‌رسانی، در تدوین مبنای نظری خود، محتاج به **واردات** نظریه از سایر رشته‌ها نیست، بلکه می‌تواند به گونه‌ای درون‌زاد، این مبنای را خودش ایجاد کند (فلوریدی، ۲۰۰۲b). کاپورو نیز علم کتابداری و اطلاع‌رسانی را دارای دو جنبه می‌داند: جنبه‌ی رایج فنی یا هیورستیک که می‌توان آن را همان لایه‌ی اول فنی در نظر فلوریدی دانست، و جنبه‌ی تاریخی- فرهنگی یا هرمنوتیک که می‌توان آن را همان لایه‌ی فلسفی در نظر فلوریدی دانست. به عقیده‌ی کاپورو ما نباید هم خود را صرفاً متوجه ذخیره و بازیابی اطلاعات کنیم، بلکه باید بینش انتقادیمان درباره‌ی وجوه غایت شناختی اطلاعات و نظام‌های اطلاع‌رسانی را توسعه دهیم. بر این اساس علم کتابداری و اطلاع‌رسانی دارای وجهی هرمنوتیکی- بلاغی دانسته می‌شود. علم کتابداری و اطلاع‌رسانی، بدین اعتبار همان انجلیتیک یا شاخه‌ای مهم از آن است.

نتیجه‌گیری

بررسی تطبیقی آراء اطلاع‌شناختی فلوریدی و کاپورو دلالت‌ها و تضمیناتی برای علم کتابداری و اطلاع‌رسانی دارد. یکی از این دلالت‌ها، لزوم توجه بیشتر به مباحث فلسفی در علم کتابداری و اطلاع‌رسانی است. مفاهیمی مانند اطلاعات، معرفت^۳، سند، متن، بینامتنیت^۴، نشانه و ربط در مرکز مباحثات فلسفی چند دهه‌ی اخیر در غرب بوده‌اند. فلوریدی و کاپورو معتقداند که علم کتابداری و اطلاع‌رسانی با «اطلاعات به مثابه شیء» سر و کار دارد، یعنی با حلول معنی در اسناد. این حلول، زبانی است. پس مسأله‌ی زبان در علم کتابداری و اطلاع‌رسانی مرکزیت دارد و

-
1. social epistemology
 2. Jesse Shera
 3. knowledge
 4. intertextuality

می‌دانیم که فلسفه‌ی قرن بیستم، عمدتاً حول محور زبان چرخیده است. علم کتابداری و اطلاع‌رسانی که با تجلیات زبانی حیات فکری انسان سر و کار دارد، نمی‌تواند از این مباحثات فلسفی چشم‌پوشد و حتی می‌تواند در آن‌ها مساهمت^۱ جدی داشته باشد. بر این اساس کسانی مانند جانانان فرنر^۲ پیشنهاد داده‌اند که علم کتابداری و اطلاع‌رسانی را به عنوان شاخه‌ای از نشانه‌شناسی تعریف کنیم.

فرنر معتقد است که در بحث‌های فلسفی در علم کتابداری و اطلاع‌رسانی، معمولاً اطلاعات را به معنی محتوای وضعیت‌های ذهنی^۳ گرفته‌اند. در این معنی، اطلاعات آن محتوای ذهنی‌ای است که بیرونی شده و عینیت و تسجیل یافته است. یکی از نتایج چنین بحثی این بوده که صاحب‌نظرانی که به این نحو تأمل‌گرایش داشته‌اند، خواسته‌اند که دانش اطلاع‌رسانی را در ذیل معرفت‌شناسی بگجانند. در تقابل با این ایده، فرنر معتقد است که یک رهیافت سازنده‌تر می‌تواند این باشد که دانش اطلاع‌رسانی را در نسبت و ربطی که با فلسفه‌ی زبان پیدا می‌کند، طرح کنیم. چرا که فلسفه‌ی زبان به نحو دقیق‌تر و جامع‌تری به تجلیات زبانی محتوای وضعیت‌های ذهنی و داده‌هایی که این محتوا را بازنمایی و ثبت می‌کنند و نیز شیوه‌های تفسیر این بازنمایی‌ها و فهم معنی آن‌ها، می‌پردازد. حال آنکه عمده‌ی این مباحث در معرفت‌شناسی غایب است (فرنر، ۲۰۰۴).

با قبول محوریت زبان در علم کتابداری و اطلاع‌رسانی، می‌توان بین برخی از بحث‌های فکری-فلسفی رایج از یک سو و مسائل علم کتابداری و اطلاع‌رسانی از سوی دیگر، ارتباط برقرار کرد. اینکه متون چگونه از طریق ارجاع‌ها و استنادها به ایجاد بینامتنیت می‌انجامند، می‌تواند با مباحث تحلیل استنادی در علم کتابداری و اطلاع‌رسانی پیوند یابد. اینکه گفتمان‌های علمی چگونه شکل می‌گیرند و به خود مشروعیت می‌دهند، می‌تواند مورد بحث حوزه‌ی ارتباطات علمی^۴ باشد. اینکه نظام نشانه‌ها چگونه مبتنی بر غیریت (این نه آنی) نشانه‌ها، معنی را می‌سازد (نشانه‌شناسی و ساختارنگاری^۵)، اینکه دال‌ها چگونه در ارجاعی نامتناهی معنی را به

-
1. Contribution
 2. Janathan Furner
 3. content of mental states
 4. scientific communication
 5. structuralism

تعویق می‌اندازند (شالوده‌شکنی^۱ و پس‌اساختار‌انگاری^۲)، اینکه متون و اسناد چگونه مورد تفسیر قرار می‌گیرند و به نیاز فرد پاسخ می‌دهند (هرمنوتیک) و مسائلی از این دست توجه نحله‌های فلسفی گوناگون مدرن و پست‌مدرن بوده است که همگی به نوعی با تحلیل موضوعی، ذخیره و بازبایی اطلاعات، نیازسنجی، ربط^۳ و مطالعات کاربران در علم کتابداری و اطلاع‌رسانی پیوند می‌یابند. علم کتابداری و اطلاع‌رسانی، به قول شرا، فلسفی‌ترین تمامی حرفه‌هاست، و تأسف‌انگیز آنکه مباحثات فلسفی در این رشته، در ظل پراگماتیسم شایع و غالب بر آن، مورد توجه اندکی بوده است. از دلالت‌های آراء فلوریدی و کاپورو، ضرورت توجه به مطالعات فلسفی در علم کتابداری و اطلاع‌رسانی است.

یکی دیگر از دلالت‌های آراء فلوریدی و کاپورو این است که کاربرد کلمه‌ی اطلاعات در علم کتابداری و اطلاع‌رسانی باید متناسب با ساختارهای نظری این رشته باشد، نه اینکه به نحوی اقماعی به اخذ و اقتباس نظریه‌های سایر رشته‌ها پرداخته شود. ما در کتابداری و اطلاع‌رسانی چه نیازی به نظریه‌ی شانون یا نظریه‌ی سیبرنتیکی اطلاعات داریم؟ این نظریات چه گره فروسته‌ای از کار ما را می‌توانند بگشایند؟ ما باید تکثر مفهومی اطلاعات را بپذیریم. مفهومی که شانون در مهندسی الکترونیک از اطلاعات ارائه کرده است، در حل مسائل همان حوزه کاراست. همین گونه است در مورد نظریه‌های معنایی و شناختی از اطلاعات که هر یک در حوزه‌ی مربوط به خود به کار می‌آید و مؤثر واقع می‌شود. ارائه‌ی یک نظریه‌ی واحد درباره‌ی اطلاعات ممکن نیست، و لزومی هم ندارد که چنین تعریفی از اطلاعات ارائه شود، بلکه هر حوزه‌ی مطالعاتی‌ای متناسب با ساختار نظری خود می‌تواند از مفهوم اطلاعات بهره بگیرد.

در این مورد می‌توان درس خوبی از فلوریدی آموخت. او پس از بحث‌های دراز دامنی که درباره‌ی اطلاعات دارد، نهایتاً به «ت.خ.ا.» می‌رسد، اما وقتی می‌خواهد نسبت اطلاعات با علم کتابداری و اطلاع‌رسانی را طرح کند، خاضعانه به «ت.ع.ا.» عدول می‌کند و می‌گوید که موضوع علم کتابداری و اطلاع‌رسانی نه اطلاعات بالمعنی الاخص، بلکه اطلاعات بالمعنی الاعم، یعنی

-
1. deconstruction
 2. poststructuralism
 3. relevance

محتوای خبری متجسد در محمل‌های مادی یا اسناد است. فلوریدی خوب می‌داند که «ت.خ.ا.» باری از دوش کتابداری و اطلاع‌رسانی برنخواهد داشت. آنچه موضوع کتابداری و اطلاع‌رسانی است، همان چیزی است که باکلند آن را «اطلاعات به مثابه شیء» خوانده است. ما باید به دنبال احیاء مفهوم سند^۱ در علم کتابداری و اطلاع‌رسانی باشیم.

وقتی مفهوم اطلاعات را در پیوند با متن، سند و رسانه در نظر می‌گیریم، پای عامل انسانی نیز به میان می‌آید. آنچه فلوریدی دینامیک‌های اطلاعات می‌نامد، همواره در یک جامعه‌ی استفاده‌کننده یا به قول کاپورو، در افق یک عالم خاص رخ می‌دهد. پس مفهوم اطلاعات در علم کتابداری و اطلاع‌رسانی باید در ارتباط با انسان طرح شود. ما در کتابداری در درجه‌ی اول با انسان‌ها سر و کار داریم. اصطلاح محوری در علم کتابداری و اطلاع‌رسانی، انسان است. اطلاعات، سند، متن، رسانه و منبع همه و همه، در ذیل وجود انسان معنی می‌یابند. آنجا که انسان است، پای فهم و تفسیر و انتخاب از بین امکان‌های مختلف به میان می‌آید. به نظر من مهم‌ترین دلالت آراء فلوریدی و کاپورو در علم کتابداری و اطلاع‌رسانی، تأکید بر ماهیت تفسیری فهم و معرفت انسان است؛ مسأله‌ای که فلوریدی تحت عنوان سطوح انتزاع و کاپورو تحت عنوان پیش‌ساختار فهم به آن پرداخته است.

اطلاعات و نظام‌های اطلاع‌رسانی همواره منوط به یک سطح انتزاع و یک پیش‌فهم خاص‌اند. بر این اساس علم کتابداری و اطلاع‌رسانی با چشم اندازه‌های هرمنوتیکی ای سر و کار دارد که به اطلاعات معنی می‌دهند. اطلاعات همواره متحیز و دارای جهت‌گیری‌های انتولوژیک و در خدمت غایات فرهنگی-تمدنی خاصی است. بر این اساس علم کتابداری و اطلاع‌رسانی باید علاوه بر جنبه‌های فنی در راستای بهبود فنون ذخیره و بازیابی اطلاعات، جنبه‌های هرمنوتیکی خود را نیز بالنده سازد تا بتواند نگاهی انتقادی به سطوح انتزاع و پیش‌فهم‌های مضمّر در اطلاعات و نظام‌های اطلاعاتی داشته‌باشد.

عمده‌ی اطلاعات تولیدی در جهان امروز، برخاسته از افق عالم غرب مدرن است و ریشه در مآثر و فرادش‌های غربی دارد. پیش‌فرض‌های عالم غرب، همچون سطوح انتزاع یا پیش‌فهم‌هایی عمل می‌کنند که اطلاعات را از حیث انتولوژیک جهت می‌دهند. ما باید متوجه این

1. document

جهات فرهنگی در اطلاعات و نظام‌های اطلاع‌رسانی باشیم تا تکثر صورت‌های زندگی در کوهی زمین را حفظ کنیم. غفلت از جهات فرهنگی اطلاعات و نظام‌های اطلاع‌رسانی به معنی غریزدگی و از خودبیگانگی فرهنگی اقوام غیر غربی است.

برای اقوامی همچون ما ایرانیان که سنن و مآثری متفاوت از غرب داریم، توجه به جهات فرهنگی و غایت شناختی اطلاعات اهمیت بیشتری دارد. غفلت از پیش‌داوری‌ها و پیش‌فهم‌های تفکر غربی که در قالب اطلاعات و نظام‌های اطلاع‌رسانی عینیت یافته است، می‌تواند به غربی‌سازی جهان و حذف تمدن‌های غیر غربی و هژمونی تمدن غربی بینجامد. مفهوم سطح انتزاع که فلوریدی طرح می‌کند و مفهوم پیش‌فهم که کاپورو پیش می‌کشد، به ما می‌آموزد که از ماهیت غایت شناختی اطلاعات و نظام‌های اطلاعاتی، که عمدتاً در جهت غایبات تمدنی غرب است غفلت نکنیم.

فلوریدی به ارزش در زمانی فلسفه‌ی اطلاعات اشاره می‌کند که توسط آن، می‌توان تاریخ تفکر غربی را از زاویه‌ای اطلاعاتی مورد بازبینی قرار داد. کاپورو نیز در طرح حوزه‌ی مطالعاتی انجلتیک و تبارشناسی اطلاعات، بر بینش تاریخی- فرهنگی تأکید دارد. علم کتابداری و اطلاع‌رسانی، به عنوان حوزه‌ای هرمنوتیکی- بلاغی کمک می‌کند که ما نیز بررسی کنیم که سیر مفهوم اطلاع در تاریخ ایرانی اسلامیمان چه بوده است تا بتوانیم متناسب با سنن و مآثرات فکری خود به نظریه‌پردازی درباره‌ی اطلاعات پردازیم؛ به جای اینکه با ترجمه‌ها و تألیف‌های دست و پا شکسته به تکرار طوطی‌وار آراء غربی بسنده کنیم.

در تمدنی که مبتنی بر اصالت سود باشد و نظام اقتصادی حاکم بر آن سرمایه‌داری باشد (تمدن تکنولوژیک- بنامی به قول لیویس)، اطلاعات به عنوان یک کالا تعریف می‌شود. در مقابل، در تمدنی که مبتنی بر دیانت باشد، اطلاعات در درجه‌ی اول بر حسب نقشی که در هدایت انسان و حصول قرب به پروردگار دارد مورد تعریف قرار می‌گیرد. اگر از زاویه‌ی نگاه ماتریالیستی بنگریم، اطلاعات را در ردیف ماده و انرژی به حساب می‌آوریم و اگر از منظر بینش الهی نگاه کنیم، حصول اطلاع و خبر را در معنی حقیقیش جز با استعانت از وحی ممکن نمی‌دانیم. برای مثال، این سخن ملا عبدالرزاق کاشانی (۱۳۷۷) در باره‌ی اصطلاح **مُطَّلَع** را در نظر بگیرید:

عبارت است از مقام شهود متکلم هنگام تلاوت آیات کلام او؛ که متجلی به صفتی است که آن صفت مصدر این آیه است، چنانکه امام جعفر بن محمد صادق - علیهما السلام - فرموده: خداوند بر بندگانش در کلامش تجلی کرده ولی نمی‌بینند، و ایشان روزی در نماز ناگهان بیهوش شد، از وی سبب را پرسیدند. فرمود: پیوسته آیه‌ای را از قرآن تکرار می‌کردم تا آنکه از گوینده‌اش (خدا) شنیدم. شیخ شهاب الدین سهروردی - قدس الله روحه - گوید: زبان حضرت صادق در آن وقت مانند درخت موسی - علیه السلام - بود؛ هنگامی که او را از آن درخت ندا می‌داد: انی انا الله، یعنی من خدایم. به جان خود سوگند که مُطَّلَع اعم و فراگیرتر از این است؛ و آن مقام شهود حق است در هر چیزی - متجلی به صفاتش - که این شیء مظهر آن است؛ ولی چون در حدیث نبوی آمده که: هیچ آیه‌ای نیست مگر آنکه دارای ظاهر و باطن است و هر حرفی دارای حدی است و هر حدی دارای مُطَّلَعی، از این جهت به آن اختصاصش دادند (ص ۱۳۳-۱۳۴).

واژه‌ی مُطَّلَع در ضمن حدیثی از پیامبر اکرم (ص) آمده است که به ذو بطون بودن قرآن اشاره دارد: *انَّ لِلْقُرْآنِ ظَهْرًا وَ بَطْنَاً وَ حَدًّا وَ مَطْلَعًا وَ در حدیث دیگر آمده که: ما فی القرآن ایهٌ اِلَّا وَ لها ظَهْرٌ وَ بَطْنٌ وَ ما فیهِ حرفٌ اِلَّا وَ له حدٌّ وَ لکلِّ حدٍّ مطلعٌ.* کاشانی در توضیح اصطلاح مطلع، اهل اطلاع در معنی حقیقی کلمه را کسانی می‌داند که به درک حقیقت آیات الهی نائل شده‌اند و باطن قرآن را در صورت حقیقی در لوح محفوظ و پیش از تنزل در قالب حروف و الفاظ مشاهده کرده‌اند. این معنی از اطلاع را با چه پارادایمی از پارادایم‌های دانش اطلاع‌رسانی مدرن می‌توان تحلیل کرد؟ اگر بناست به دیالوگ با سنن و مآثر فرهنگی خود بپردازیم، می‌بایست روش‌شناسی و مفاهیم خاص آن را نیز خود ایجاد کنیم. مقولات تفکر غربی، محدود به افق عالم غرب‌اند و از قدرت تبیینی کافی برای فهم مقولات تفکر شرقی برخوردار نیستند. اطلاع در معنی داده‌های دارای نظم مناسب معنی دار صادق (فلوریدی) یا در معنی وجهی اگزستانس از وجود - در - عالم - با - دیگران (کاپورو) کجا و اطلاع به عنوان شهود اعیان اشیاء در علم قدیم حق کجا. آن دو از غربت غربیه‌ی انسان حکایت دارند و بار آن حقیقت شرقیه را که گفته‌اند «هَبِطتْ اِلَیکَ مِنَ السَّمَاءِ الْأَرْقَعِ»، به دوش نتوانند کشید.

منابع و مآخذ

اوتن، کلوز؛ دبونز، آنتونی (۱۳۷۴). «اطلاع شناسی؛ علمی ماوراء اطلاع رسانی»، ترجمه اسدالله آزاد. پیام کتابخانه. او (بهار و تابستان): ۱۴-۲۲.



جرجانی، میر سید شریف (۱۳۷۷). *تعريفات: فرهنگ اصطلاحات معارف اسلامی*. ترجمه حسن سید عرب و سیما نوربخش. تهران: فرزانه روز.

حرّی، عباس (۱۳۷۸). «اطلاع‌شناسی». در *اطلاع‌رسانی: نگرش‌ها و پژوهش‌ها*. تهران: کتابدار، ص ۱۷-۱۹.

خندان، محمد؛ فدایی عراقی، غلامرضا (۱۳۸۷). *نگاهی به پارادایم‌های سه‌گانه‌ی مدرن در اطلاع‌رسانی*. پیام کتابخانه. ۱۵۴(۱). ۳-۳۰.

خوانساری، محمد (۱۳۷۶). *فرهنگ اصطلاحات منطقی*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

دیکسون-کندی، مایک (۱۳۸۵). *دانشنامه اساطیر یونان و روم*. ترجمه رقیه بهزادی. تهران: طهوری.
کاشانی، عبدالرزاق (۱۳۷۷). *ترجمه اصطلاحات الصوفیه یا فرهنگ اصطلاحات عرفان و تصوف*. ترجمه محمد خواجوی. تهران: مولی.

کرجی، علی (۱۳۸۱). *اصطلاحات فلسفی و تفاوت آن‌ها با یکدیگر*. قم: بوستان کتاب قم (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم).

میدوز، جک (۱۳۸۳). *شناخت اطلاعات*. ترجمه محمد خندان و مهدی محامی. تهران: کتابدار.
هایدگر، مارتین (۱۳۸۰). «تنها هنوز خدایی است که می‌تواند ما را رهایی بخشد»، ترجمه آرامش دوستدار، در محمد مددپور. *خودآگاهی تاریخی*. کتاب دوم: تفکر معنوی آماده‌گر در غرب و شرق. تهران: وزارت آموزش و پرورش، مؤسسه فرهنگی منادی تربیت، ص ۱۴۷-۱۸۷.

یورلند، بیرگر (۱۳۸۱). «بنیادهای فلسفی، نظری، و عملی علم کتابداری و اطلاع‌رسانی»، ترجمه عبدالحسین آذرننگ، در علیرضا بهمن‌آبادی. *مبانی، تاریخچه و فلسفه علم اطلاع‌رسانی* (گزیده مقالات). تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ص ۱-۴۸.

Buckland, M. (1991). Information as Thing. *Journal of the American Society for Information Science*. 42 (Jun): 351-360.

Capurro, R. (1990). *Towards an Information Ecology*. Available [on line]: <http://www.capurro.de/nordinf.htm>

Capurro, R. (1992a). *Foundations of Information Science: Review and Perspectives*. Available [on line]: <http://www.capurro.de/tampere91.htm>

Capurro, R. (1992b). *Informatics and Hermeneutics*. Available [on line]: <http://www.capurro.de/floyd.htm>

Capurro, R. (1996). *On the Genealogy of Information*. Available [on line]: <http://www.capurro.de/cottinf.htm>

Capurro, R. (1999). *Beyond the Digital*. Available [on line]: <http://www.capurro.de/viper.htm>

- Capurro, R. (2000). *Hermeneutics and the Phenomenon of Information*. Available[on line]: <http://www.capurro.de/ny98.htm>
- Capurro, R. (2003a). *Angeletics: A Maessage Theory*. Available [on line]: http://www.capurro.de/angeletics_zkm.html
- Capurro, R. (2003b). *On Hermeneutics, Angeletics and Information Technology: Questions and Tentative Answers*. Available [on line]: <http://www.capurro.de/tsukuba.html>
- Capurro, R. (2004). *What is Angeletics?* Available [on line]: <http://www.capurro.de/angeletics.html>
- Capurro, R.; Fleissner, P.; Hofkirchner, W. (1997). *Is a Unified Theory of Information Feasible?; a Trialogue*. Available[on line]: <http://www.capurro.de/trialog.htm>
- Capurro, R.; Hjørland, B. (2003). *The Concept of Information*. Available [on line]: <http://www.capurro.de/infoconcept.html>
- Floridi, L. (2002a). Information Informs the Field: A Conversation with Luciano Floridi *APA Newsletter*. 2(Fall): 72-77.
- Floridi, L. (2002b). On Defining Library and Information Science as Applied Philosophy of Information *Social Epistemology*. 16(January): 37-49.
- Floridi, L. (2002c). *What is the Philosophy of Information?* Available [on line]: <http://www.wolfson.ox.ac.uk/~floridi/pdf/wipi.pdf>
- Floridi, L. (2003a). Information In *The Blackwell Guide to the Philosophy of Computing and Information*. Available [on line]: <http://www.wolfson.ox.ac.uk/~floridi/blackwell/chapters/chapter5.pdf>
- Floridi, L. (2003b). *Two Approaches to the Philosophy of Information*. Available [on line]: <http://www.wolfson.ox.ac.uk/~floridi/pdf/tattpi.pdf>
- Floridi, L. (2004a). Afterword; LIS as Applied philosophy of Information: A Reappraisal *Library Trends*. 52(winter): 658-665.
- Floridi, L. (2004b). *From the Philosophy of AI to the Philosophy of Information*. Available [on line]: <http://www.wolfson.ox.ac.uk/~floridi/pdf/fpoaitpoi.pdf>
- Floridi, L. (2004c). *In Defense of the Veridical Nature of Semantic Information*. Available [on line]: <http://www.philosophyofinformation.net/pdf/idotvnosi.pdf>
- Floridi, L. (2004d). Information In *Encyclopedia of Science, Technology and Ethics*. Carl Mitcham(Ed.). Available [on line]: <http://www.wolfson.ox.ac.uk/~floridi/pdf/este.pdf>
- Floridi, L. (2004e). *Informational Realism*. Available [on line]: <http://cript.com/confpapers/CRPITV3Floridi.pdf>
- Floridi, L. (2004f). *Open Problems in the Philosophy of Information*. Available [on line]: <http://www.wolfson.ox.ac.uk/~floridi/pdf/oppi.pdf>
- Floridi, L. (2004g). Outline of a Theory of Strongly Semantic Information *Minds and Machines*. 14(May): 197-221.
- Floridi, L.(2005a). Is Semantic Information Meaningful Data? *Philosophy and phenomenological Research*. LXX(March): 351-369.

- Floridi, L. (2005b). *Semantic Conceptions of information*. Available [on line]: <http://plato.stanford.edu/entries/information-semantic>
- Floridi, L. (2005c). *Trends in the Philosophy of Information*. Available [on line]: <http://www.wolfson.ox.ac.uk/~floridi/pdf/titpoi.pdf>
- Floridi, L. (2008). *A Defence of Informational Structural Realism*. Available [on line]: <http://www.philosophyofinformation.net/preprints/adoisr.pdf>
- Furner, J. (2004). Information Studies Without Information *Library Trends*. 52(Winter): 427-446.
- Takenouchi, Tadashi. (2004). Capurro's Hermeneutic Approach to Information Ethics: Ethics in the Information Society and the Development of Angeletics. *IJIE(International Journal of Information Ethics)*. 1(June):1-8.

به این مقاله به این صورت استناد کنید:

خندان، محمد (۱۳۸۸) نگاهی تطبیقی به آراء اطلاع‌شناسی لوجیانو فلوریدی و رافائل کاپورو. پیام کتابخانه. ۱۵ (۱)، ۱۴۹-۱۸۳.

